

بررسی سیاست‌های حمایتی:
۲. یارانه شبه‌نقدی، با توجه به
نظام حمایتی آمریکا

معاونت مطالعات بخش عمومی

کد موضوعی: ۲۳۰
شماره مسلسل: ۱۷۷۳۶
شهریورماه ۱۴۰۰

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	تعریف اصطلاحات
۳	مقدمه
۵	۱. علت استفاده از یارانه شبه‌نقدی
۵	۱-۱. نگاه پدران
۶	۱-۲. تشخیص بهتر اقشار هدف
۷	۱-۳. ایجاد انگیزه برای رفتارهای سازنده
۷	۱-۴. ایجاد تغییر در بازار یک کالا
۸	۱-۵. مدیریت شکست بازار
۸	۱-۶. وجود برخی مشکلات اجرایی در استفاده از یارانه نقدی
۹	۲. مروری بر یارانه‌های شبه‌نقدی در ایالات متحده
۱۰	۲-۱. معیشت
۱۱	۲-۲. مسکن عمومی
۱۱	۲-۳. سلامت
۱۵	۲-۴. آموزش
۱۶	۲-۵. برنامه‌های یارانه نقدی
۱۷	۳. بررسی تفصیلی یارانه‌های معیشتی
۱۷	۳-۱. کمک موقت به خانوارهای نیازمند (TANF)
۱۸	۳-۱-۱. مصارف
۲۰	۳-۱-۲. مشمولان
۲۱	۳-۱-۳. موفقیت برنامه در مبارزه با فقر
۲۱	۳-۲. کمک غذایی مکمل (SNAP)
۲۲	۳-۲-۱. مشمولان
۲۲	۳-۲-۲. مراحل دریافت یارانه
۲۳	۳-۲-۳. مبلغ دریافتی خانوارها
۲۴	۳-۲-۴. جلوگیری از فروش مجدد غذا
۲۴	۳-۲-۵. عملکرد
۲۶	۳-۲-۶. مزایای این برنامه
۳۱	۳-۳. مقایسه کمک موقت به خانوارهای نیازمند و کمک غذایی مکمل
۳۱	۳-۴. برنامه‌های غذایی دیگر
۳۲	۴. بررسی تفصیلی یارانه‌های بازار کار
۳۲	۴-۱. ایجاد انگیزه نگر داشتن نیروی کار برای کارفرما (یارانه دستمزد - برنامه کار اشتراکی)
۳۳	۴-۲. ایجاد انگیزه برای جذب کارگر جدید توسط کارفرما (یارانه استخدام، یارانه شغل خویش‌فرما)
۳۴	۴-۳. ایجاد انگیزه برای کارجویی و ماندن در کار (برنامه‌های کار عمومی، یارانه مشروط به کار)
۳۵	۴-۴. افزایش سرمایه انسانی (یارانه آموزش شغلی)
۳۵	۴-۵. بهبود جوسازی در بازار کار
۳۶	جمع‌بندی و درس‌هایی برای ایران
۳۸	پیوست: بررسی عمیق‌تر رابطه میان یارانه شبه‌نقدی و اشتغال
۴۰	منابع و مآخذ



بررسی سیاست‌های حمایتی:

۲. یارانه شبه‌نقدی، با توجه به نظام حمایتی آمریکا

چکیده

یارانه شبه‌نقدی یعنی یارانه‌ای که به صورت کالا و خدمات یا پرداخت نقدی برای استفاده روی آن کالا و خدمات در اختیار افراد قرار می‌گیرد. این یارانه به صورت گسترده در جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد، به نحوی که در میان کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱ به صورت میانگین حدود ۶٪ از مخارج عمومی بر این نوع یارانه است.

علت اصلی استفاده از یارانه شبه‌نقدی این است که دولت می‌خواهد مردم را به مصرف یک کالا یا خدمت خاص ترغیب کند، درحالی که اگر مبلغ معادل آن به صورت نقدی پرداخت می‌شد، فرد کالای دیگری را برای مصرف انتخاب می‌کرد. برای مثال، مقدار پول نقدی که معادل هزینه یارانه شیر مدرسه است، مبلغ چشمگیری نیست و اگر به صورت مستقیم به پدر خانواده پرداخت شود، به احتمال زیاد تفاوتی در سبد غذایی کودک ایجاد نخواهد کرد. درحالی که دولت با ارائه شیر به صورت یارانه شبه‌نقدی از بهبود تغذیه کودک اطمینان حاصل می‌کند. با این مقدمه، نکته حائز اهمیت در ارائه یارانه شبه‌نقدی این است که فرد نتواند آن را به نحو دیگر استفاده کند، بنابراین باید فروش مجدد کالای یارانه‌ای یا معاوضه کارت اعتباری یارانه‌ای با پول نقد بسیار دشوار باشد.

متداول‌ترین یارانه‌های شبه‌نقدی ارائه شده در جهان عبارتند از: یارانه مسکن، سلامت، آموزش، تغذیه، نگهداری کودکان و بهبود فضای بازار کار. در این گزارش، نظام این یارانه‌ها در کشور آمریکا بررسی شده است. با توجه به اینکه حمایت‌های بازار کار در آمریکا عمق چندانی ندارند، این حمایت‌ها در کشورهای دیگر نیز بررسی شدند. حمایت‌های مربوط به بازار کار به چند صورت در جهان ارائه می‌شود: ایجاد انگیزه در کارفرما برای نگه داشتن کارگر، ایجاد انگیزه برای جذب کارگر جدید، ایجاد انگیزه برای کارجویی و ماندن در کار، افزایش سرمایه انسانی کارگر و بهبود جوسازی^۲ کارگر (مثلاً از طریق افزایش کارایی مراکز کاربایی) و کارفرما (از طریق گسترش مراکز کاربایی).

بررسی‌های این گزارش نشان می‌دهد یارانه شبه‌نقدی کارکردهای مشخصی دارد و در صورتی که به درستی استفاده شود، می‌تواند بسیار مفید باشد اما در صورتی که شرایط استفاده از آن رعایت نشوند مضر است. در واقع اجرای یارانه شبه‌نقدی نسبت به یارانه نقدی مشکلات بیشتری دارد بنابراین تنها در صورتی باید از آن استفاده

1. Organization for Economic Development and Cooperation (OECD)

2. Matching

کرد که از یک سو اجرا با دقت و کیفیت مناسب انجام شود و از سوی دیگر مزایای استفاده از یارانه شبه‌نقدی بسیار بیشتر از یارانه نقدی باشد. برای مثال در صورتی که یارانه به صورت سبد کالا ارائه شود عموماً زمینه ایجاد فساد از سوی مجری می‌شود.

شرایطی که در آن استفاده از یارانه شبه‌نقد بر یارانه نقد مزیت دارند، عبارتند از:

۱. زمانی که دولت بخواهد به دلایلی، مصرف یک کالا یا خدمت خاص را به افراد تحمیل کند (مانند شیر برای دانش‌آموزان)،
۲. تفکیک فقرا از اغنیا با ارائه یارانه به شکل کالایی که فقط برای یک قشر جذاب است (مانند خانه کوچک)،
۳. سوق دادن افراد به سوی رفتارهای سازنده (مثلاً با ارائه آموزش یارانه‌ای انگیزه فرد برای ادامه تحصیل افزایش می‌یابد)،
۴. ایجاد تغییر در بازار یک کالا (مثلاً ارائه مسکن یارانه‌ای می‌تواند موجب کاهش قیمت مسکن در کل بازار شود)،
۵. مدیریت شکست بازار (مثلاً در مورد خدمات سلامت، سیستم بازاری می‌تواند فشار زیادی بر مردم وارد کند و یک راه‌حل، ارائه خدمات سلامت از سوی دولت به شکل یارانه شبه‌نقد است)
۶. برخی شرایط خاص که استفاده از یارانه نقدی، مشکلات اجرایی ایجاد می‌کند. این شرایط در گزارش به تفصیل توضیح داده می‌شوند.

تعریف اصطلاحات

- ❖ حمایت اجتماعی (Social Protection): پرداخت انتقالی به خانوار، به صورت نقدی یا شبه‌نقدی که به هدف کاهش آلام ناشی از مخاطرات معلولیت، بیماری، کهولت سن، بزماندگی، بیکاری و مسکن انجام می‌شود.
- ❖ یارانه شبه‌نقدی (Near-Cash Benefits): یارانه‌ای که به صورت کالا و خدمات یا پرداخت نقدی برای استفاده بر روی آن کالا و خدمات در اختیار افراد قرار می‌گیرد.
- ❖ اعتبار مالیاتی (Tax Credit): مبالغی است که به موجب قانون اجازه کسر آن از بدهی مالیاتی وجود دارد.
- ❖ یارانه‌گزینشی (Selective Benefits): یارانه‌ای که فقط به دسته‌ای از افراد تعلق می‌گیرد. این دسته‌بندی ارتباطی با سطح درآمد ندارد. مانند یارانه به کشاورزان.
- ❖ حمایت شغلی (Work Support): مجموعه‌ای از خدمات که فقط به افراد شاغل تعلق می‌گیرد، به قصد جذاب‌تر شدن اشتغال.
- ❖ تقبل کودک (Foster Care): نظامی است که در آن کودکان بی‌سرپرست یا بدسرپرست به پرورشگاه فرستاده نمی‌شوند بلکه تحت مراقبت یک خانواده قرار می‌گیرند. این خانواده از دولت مبلغی را دریافت می‌کند.



- ❖ برنامه فعال بازار کار (Active Labor Market Program): برنامه حمایتی به منظور بهبود شرایط بازار کار که با هدف مشغول به کار نگه داشتن شاغلان یا ایجاد اشتغال و افزایش بهره‌وری و دستمزد افراد در بازار کار مورد استفاده قرار می‌گیرد، از جمله یارانه دستمزد.
- ❖ برنامه کار اشتراکی (Work Sharing Agreement): یک نوع حمایت دولتی است که در آن شرکتی که قصد تعدیل نیرو دارد به دولت مراجعه کرده و یک برنامه برای خروج از بحران ارائه می‌کند. در صورتی که برنامه پذیرفته شود، دولت به مدت محدودی بخشی از دستمزد کارگران را برعهده می‌گیرد و تعدیلی صورت نمی‌گیرد.
- ❖ هزینه‌های غیردستمزدی استخدام (Non-Wage Costs of Hiring): هزینه‌هایی که کارفرما برای استخدام متحمل می‌شود، به جز دستمزد. مانند هزینه بیمه، مالیات و خدمات دیگر مانند حمل و نقل.
- ❖ تور محافظ اجتماعی (Social Safety Net): هر ابزاری که دولت برای محافظت از خانوارهای فقیر در مقابل شرایط سخت اقتصادی استفاده می‌کند. تفاوت تور محافظ اجتماعی با حمایت اجتماعی این است که تور محافظ بیشتر به صورت یک ابزار عکس‌العمل در شرایط سخت به کار می‌رود در حالی که حمایت اجتماعی نگاه توسعه‌ای بلندمدت‌تری دارد و جلوگیری از بروز سختی اجتماعی را نیز دربرمی‌گیرد.
- ❖ برنامه کار عمومی (Public Works Program): یک برنامه یا پروژه نیاز به کار زیاد است که دولت در آن سرمایه‌گذاری می‌کند تا وضع اشتغال را بهبود بخشد. در این برنامه‌ها دولت، پروژه‌هایی تعریف می‌کند تا افرادی که به اشتغال در سایر بخش‌ها قادر نیستند، با دستمزدی مشخص مشغول به کار شوند.
- ❖ جورسازی (Matching): برقراری اتصال میان طرفین یک پدیده، مانند کارجو و کارفرما.

مقدمه

یارانه شبه‌نقدی^۱، یعنی یارانه‌ای که به صورت کالا و خدمات یا پرداخت نقدی برای استفاده بر آن کالا و خدمات در اختیار افراد قرار می‌گیرد. با یک نگاه کلی به کشورهای جهان می‌توان دریافت که استفاده از یارانه شبه‌نقدی بسیار فراگیر است.

جدول ۱ بیانگر درصد تولید ناخالص داخلی صرف شده برای پنج نوع یارانه شبه‌نقدی در کشورهای سازمان توسعه و همکاری اقتصادی است. اکثر کشورها یارانه شبه‌نقدی بر غذا نیز دارند که در جدول زیر بدان پرداخته نشده. به بیان دیگر، ۶ نوع اصلی یارانه شبه‌نقدی عبارتند از: مسکن، سلامت، آموزش، بازار کار، تغذیه، نگهداری کودکان.

جدول ۱. مخارج عمومی بر پنج نوع یارانه شبه‌نقدی (ارقام به درصد، خط تیره به معنای کمتر از ۰/۱ است)

کشور	بازار کار	آموزش	نگهداری کودک	مسکن	سلامت
استرالیا	۶,۱	۰,۱	۰,۴	۴,۷	۰,۱
اتریش	۷,۶	۰,۱	۰,۶	۵,۱	۰,۱
کانادا	۶,۷	-	۰,۲	۵	۰,۴
دانمارک	۷,۳	۰,۷	۱,۶	۷,۳	۰,۲
فرانسه	۷,۹	-	۱,۲	۵,۲	۰,۴
آلمان	۸,۴	-	۰,۴	۴,۲	۰,۳
یونان	۴,۶	-	۰,۴	۳,۹	ناموجود
ایرلند	۵,۴	۰,۵	۰,۲	۴,۳	۰,۴
ژاپن	۶,۵	-	۰,۳	۳,۳	۰,۱
هلند	۵,۶	۰,۴	۰,۵	۴,۷	۰,۴
نیوزیلند	۶,۴	۰,۶	۰,۴	۶,۵	۰,۱
نروژ	۸,۲	۰,۲	۱	۷,۱	ناموجود
پرغال	۶,۵	-	۰,۸	۵,۳	۰,۱
اسپانیا	۵,۲	۰,۲	۰,۶	۳,۸	۰,۴
سوئد	۷,۷	-	۱,۲	۷	۰,۲
بریتانیا	۶,۴	۱,۵	۰,۶	۵	ناموجود
آمریکا	۶,۶	-	۰,۶	۵,۳	۰,۲

مأخذ: کوری و گهواری، ۲۰۰۸.

در اکثر کشورهای جهان حداقل یک نوع از این یارانه به مردم ارائه می‌شود. به‌عنوان مثال کمک‌های ذیل حمایت اجتماعی^۲ یا به‌صورت کالا هستند یا پول نقدی که به‌منظور هدفی خاص به فرد پرداخت می‌شود. باید توجه داشت که نحوه تأمین مالی یک پرداخت انتقالی در نوع دسته‌بندی آن مؤثر است، به‌عنوان مثال بیمه بیکاری اگر از طریق پرداختی مردم تأمین مالی می‌شود و تنها دولت ارائه می‌کند عموماً یارانه خوانده نمی‌شود (مگر اینکه بخشی از تأمین مالی آن از طریق پرداخت مردم نباشد).

در کشورهای اروپایی بخش بسیاری از مخارج حمایت اجتماعی از بودجه عمومی دولت تأمین می‌شود، لذا می‌توان آن را یارانه شبه‌نقد نامید. حجم حمایت اجتماعی در اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۸، ۳۶۰۶ میلیارد دلار (۲۶/۷٪ از تولید ناخالص داخلی) بود که به‌صورت میانگین حدود ۴۰٪ آن از طریق بودجه عمومی دولت تأمین می‌شود (اسپاسووا و وارد^۳، ۲۰۱۹) و بنابراین نوعی یارانه شبه‌نقد است.

از سوی دیگر، در صورتی که خود کالا یا خدمت به‌عنوان یارانه شبه‌نقدی در اختیار افراد قرار گیرد لازم است فروش مجدد آن عملاً غیرممکن (یا بسیار پرهزینه) باشد، در غیر این صورت در بسیاری از

1. Currie and Gahvari
2. Social Protection
3. Spasova and Ward



موارد تفاوتی میان این یارانه و یارانه نقدی وجود نخواهد داشت. این مشخصه ممکن است از طریق اجبار دولت یا ذات خود یارانه (مثلاً یارانه بر تحصیل یا خدمات پزشکی) تأمین شود. در ادامه ابتدا علل اصلی استفاده از یارانه شبه‌نقدی (در مقابل یارانه نقدی) تشریح می‌شوند، سپس انواع یارانه شبه‌نقدی با تمرکز بر یارانه‌های معیشتی در کشور آمریکا بررسی می‌شوند (گفتنی است با توجه به وجود تفاوت در نظام اقتصادی کشورهای مختلف و نقش دولت در سیاست‌های حمایتی، مطالعه تجربه سایر کشورها نیز می‌تواند به ارائه تصویر دقیق‌تری از نحوه استفاده از یارانه شبه‌نقدی کمک کند). در ادامه با توجه به اینکه یارانه شبه‌نقدی برای بازار کار در آمریکا عمق مناسبی ندارد، نحوه اجرای این یارانه در کشورهای دیگر بررسی می‌شود. در پایان نیز یک مجموعه توصیه برای یارانه شبه‌نقدی در ایران مطرح می‌شود.

۱. علت استفاده از یارانه شبه‌نقدی

برخی از مهم‌ترین علت‌های استفاده از یارانه شبه‌نقدی به شرح زیر است:

۱-۱. نگاه پدرانه^۱

با مراجعه به کتب ابتدایی علم اقتصاد، مشاهده می‌شود که برای ارجحیت یارانه نقدی بر یارانه شبه‌نقدی یک استدلال معروف وجود دارد که می‌گوید هر فرد بهتر از دولت صلاح خودش را می‌داند بنابراین اگر به جای کالا به فرد مبلغی معادل هزینه آن کالا را بپردازیم، او آن را به بهترین نحو برای خودش خرج می‌کند (که ممکن است بر همان کالا باشد یا هر چیز دیگر). با این وجود، در عمل مشاهده می‌شود که اکثر کشورها یارانه شبه‌نقدی ارائه می‌دهند. برای توضیح این پدیده می‌توان گفت که جامعه حاضر است مثلاً برای جراحی قلب باز یک فرد نیازمند میلیون‌ها ریال هزینه کند اما حاضر نیست همان پول را به او پرداخت کند تا او یک خودروی لوکس بخرد. به بیان دیگر، یکی از دلایل استفاده از یارانه شبه‌نقدی حصول اطمینان از مصرف مبلغ تخصیص داده شده در راستای مورد نظر است یا به بیان اقتصادی‌تر، جامعه بیشترین مطلوبیت را زمانی کسب می‌کند که فرد کالای مدنظر را مصرف کند، نه هر کالایی که خود تمایل دارد. دلیل این تفاوت در مطلوبیت فرد و جامعه می‌تواند اثر خارجی باشد، به‌عنوان مثال سلامت یک فرد بر کل جامعه اثر خارجی مثبت دارد و بنابراین مطلوبیت حاصل از سلامت فرد در کل جامعه بیشتر از مطلوبیت خود فرد است. به این نحوه استدلال، نگاه پدرانه گفته می‌شود.

یارانه شبه‌نقدی، یعنی یارانه‌ای که به‌صورت کالا و خدمات یا پرداخت نقدی برای استفاده آن کالا و خدمات در اختیار افراد قرار می‌گیرد. بنابراین با نگاه عملی به استدلال فوق می‌توان گفت که ارائه یارانه

به صورت شبه‌نقدی تنها زمانی مفید است که باعث تغییر عادات مصرفی خانوار شود، یعنی اگر مبلغ معادل یارانه به خانوار داده می‌شود، با آن کالایی غیر از کالای مدنظر تهیه می‌کردند. یک مثال برای روشن شدن این قاعده غذای مدرسه‌ای است: مبلغ معادل این یارانه شبه‌نقدی چندان قابل توجه نیست و بعید است که در صورت پرداخت مستقیم به خانوار موجب تغییر معناداری در سبد مصرفی آنها شود، اما با ارائه آن به صورت غذا به کودک، دولت از افزایش سطح تغذیه کودک اطمینان حاصل می‌کند.

برخی از متداول‌ترین انواع یارانه شبه‌نقدی عبارتند از: سلامت، مسکن، آموزش، مراقبت از کودکان و تغذیه. از نگاه تغییر سبد کالای مصرفی خانوار، یارانه بر تحصیل برای خانوارهای فقیر موجب تغییر مصرف (افزایش سطح تحصیلات) می‌شود، در حالی که برای خانواده‌های غنی چنین تفاوتی را به وجود نمی‌آورد. به صورت مشابه، خانواده‌های فقیری که از طرح مراقبت از کودکان بهره می‌برند خود حاضر به صرف چنین هزینه‌ای برای آن نیستند. در مورد تغذیه (کودکان و بزرگسالان) مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که این یارانه برای کودکان موجب افزایش سلامت می‌شود اما برای بزرگسالان تفاوت معناداری ایجاد نمی‌کند (کوری و گهواری، ۲۰۰۸). مسئله خدمات پزشکی نیز در مورد فقرا و اغنیا متفاوت است. استقبال مردم از بیمه تکمیل درمان نشان می‌دهد که برخی افراد متمول به سطح بیشتری از مصرف علاقه دارند. در روی مقابل سکه، تعداد زیادی از افراد عمل‌های بسیار پرهزینه مانند جراحی قلب را انجام می‌دهند که قطعاً در صورت نبود یارانه سلامت، قادر به انجامش نبودند.

گفتنی است دلایل دیگری نیز برای ارائه یارانه شبه‌نقد وجود دارد: برای مثال در مورد مسکن، اگر یارانه شبه‌نقدی به خانوارها تعلق نگیرد آنها بیشتر از مبلغ یارانه را صرف مسکن خواهند کرد، بنابراین می‌توان گفت بحث تغییر سبد مطرح نیست، بلکه از یک سو دولت با ارائه خانه‌های کم‌کیفیت‌تر (یا با ابعاد کوچک‌تر) تا حدودی تفکیک میان نیازمندان واقعی و دیگران را ساده‌تر می‌کند و از سوی دیگر می‌توان با استفاده از یارانه شبه‌نقدی بر قیمت اثر گذاشت. این دلایل در ادامه به صورت مبسوط توضیح داده شده‌اند.

۲-۱. تشخیص بهتر اقشار هدف

یکی از مشکلات اساسی در ارائه یارانه شبه‌نقدی به اقشار نیازمند، نحوه تشخیص نیازمندان واقعی است. بدین صورت که با استفاده از یارانه شبه‌نقدی افراد غیرنیازمند زیادی نیز متقاضی دریافت یارانه خواهند بود و تشخیص نیازمندان واقعی با دشواری همراه می‌شود. این در حالی است که در فرایند ارائه یارانه شبه‌نقد می‌توان به گونه‌ای عمل کرد که به صورت خودکار افراد پردرآمد متقاضی دریافت یارانه نباشند. در کشورهای مختلف روش‌های متفاوتی استفاده می‌شود که لزوماً همگی در چارچوب اخلاق قرار نمی‌گیرد. به عنوان مثال با ارائه خانه‌هایی با ابعاد کم یا افزایش هزینه دسترسی به یارانه (از طریق وجود



صف طولانی و فرم‌هایی که باید به صورت حضوری پر شوند) افراد ثروتمند متقاضی یارانه نخواهند بود. بنابراین دیگر همه افراد متقاضی نیستند و این تفکیک ساده‌تر است. البته افزایش هزینه دسترسی به یارانه می‌تواند موجب کنار رفتن افراد واقعاً مستحق نیز شود لذا ایرادهایی نیز به این کار وارد است. در عمل نیز مشاهده می‌شود که یارانه شبه‌نقدی عمدتاً پس از بررسی توان مالی فرد به آنها پرداخت می‌شود و این بعد بیشتر جنبه کمکی برای تفکیک دارد.

۳-۱. ایجاد انگیزه برای رفتارهای سازنده

از سوی دیگر، یارانه شبه‌نقدی با تحمیل مصرف یک نوع کالا بر فرد (مانند تحصیل) می‌تواند موجب رشد او در بلندمدت شده و او را از فقر خارج کند. منظور از تحمیل این است که زمانی که یک کالا یا خدمت به صورت رایگان در اختیار یک فرد نیازمند قرار می‌گیرد، فرد از آن استفاده خواهد کرد، فارغ از اینکه اگر درآمد بیشتری داشت و یارانه ارائه نمی‌شد خودش به دنبال تهیه آن می‌رفت یا خیر. مشکل جدی اکثر انواع یارانه این است که فرد دریافت‌کننده علاقه‌ای به افزایش درآمد خود و خروج از حمایت یارانه ندارد^۱. یارانه شبه‌نقدی (و یارانه مشروط) با ایجاد انگیزه در فرد برای افزایش سرمایه انسانی، یک راه خروج از این چرخه معیوب ارائه می‌کند. یک مثال از این تأثیر مثبت مطالب‌ناگار و همکاران^۲ (۲۰۱۹) است که نشان می‌دهند یارانه شبه‌نقدی نسبت به یارانه نقدی موجب کاهش شدیدتر فقر در کودکان می‌شود چون باعث افزایش نرخ اشتغال در میان بزرگسالان است و درآمد سرپرستان کودک را افزایش می‌دهد. به صورت مشابه، یارانه بر آموزش و سلامت موجب افزایش سرمایه انسانی، افزایش سلامت و ... در جامعه می‌شود. این موارد تأثیرات خارجی مثبتی نیز بر کل جامعه دارد که دولت را به افزایش سطح عمومی آن در کل جامعه متمایل می‌کند.

۴-۱. ایجاد تغییر در بازار یک کالا

یک فایده دیگر یارانه شبه‌نقدی، اثر گذاشتن دولت بر بازار آن کالا یا خدمت است. اگر دولت به دللی خواهد در بازاری دخالت کند، ارائه یارانه شبه‌نقدی ابزار خوبی است. به طور مثال اگر دولت بخواهد قیمت مسکن را پایین نگه دارد، می‌تواند به ارائه مسکن یارانه‌ای روی بیاورد، با این کار بخشی از تقاضای بازار مسکن به منازل یارانه‌ای انتقال می‌یابد و بدین ترتیب قیمت مسکن کاهش می‌یابد. یا در مقابل دولت می‌تواند برای محافظت از کشاورز یارانه شبه‌نقدی غذایی تعریف کند و بدین صورت از کشاورزان خرید تضمینی انجام دهد (قیمت محصول کشاورزی را افزایش دهد). این بخش بسیار حائز اهمیت است چراکه باعث جلب توجه گروه‌های ذی‌نفع در تصمیمات دولت می‌شود. به طور مثال در جریان اصلاحات

۱. به این مشکل Samaritan's Dilemma گفته می‌شود.

2. Nygard et al.

یارانه‌ای آمریکا در اواخر قرن بیستم، یارانه شبه‌نقدی روی غذا حذف نشد. این استثنا حاصل تلاش گروه‌های مدافع فقرا از یک‌سو و مذاکرات کشاورزان آمریکا از سوی دیگر بود.

۵-۱. مدیریت شکست بازار

یکی دیگر از دلایل استفاده از یارانه شبه‌نقدی مدیریت شکست بازار است: واگذار کردن سلامت افراد به بازار منجر به بروز مشکلات متعددی (مانند کژگزینی^۱) می‌شود. به عبارت دیگر افراد نسبتاً سالم تمایلی به استفاده از بیمه در کنار افراد نسبتاً بیمار ندارند (چون این گروه هزینه بیمه را به صورت میانگین افزایش می‌دهند) و به سراغ شرکت‌هایی می‌روند که تنها به افراد نسبتاً سالم خدمت می‌دهند. این پدیده موجب افزایش هزینه بیمه برای افراد باقی مانده می‌شود و موج دیگری از افراد را از این گروه می‌راند تا در نهایت مریض‌ترین افراد با هزینه‌های هنگفت بیمه روبه‌رو می‌شوند که توان پرداخت آن را ندارند. شکست بازار به‌طور کلی ورود دولت را می‌طلبد اما به تنهایی دلیل استفاده از یارانه شبه‌نقدی نیست. بازار سلامت به علت نیاز شدید متقاضیان، نیاز به تنظیم‌گری جدی دارد و ارائه خدمات از سوی خود دولت (ارائه یارانه شبه‌نقدی) یک گزینه مناسب برای رفع این مشکل است. دلیل دیگری که برای ارائه یارانه شبه‌نقدی سلامت در برخی کشورها مطرح می‌شود، لزوم وجود خدمات سلامت ارزان به‌عنوان یک حق شهروندی است.

۶-۱. وجود برخی مشکلات اجرایی در استفاده از یارانه نقدی

یارانه‌های نقدی ممکن است در عمل با دو ایراد عملی نیز مواجه باشند: اولاً، ممکن است کالا یا خدمت مدنظر دولت در منطقه موجود نباشد، مثلاً مدرسه متوسطه‌ای برای تحصیل کودکان وجود نداشته باشد. ثانیاً، مشاهده شده است هنگامی که در مناطق دورافتاده به بخش چشمگیری از مردم کمک نقدی یا شبه‌نقدی به‌صورت پول یا اعتبار ارائه می‌شود، تورم محلی به‌وجود می‌آید (در یارانه نقدی روی همه کالاها و در یارانه شبه‌نقدی فقط بر کالای مورد هدف). این افزایش قیمت موجب بدتر شدن وضع دیگر اهالی منطقه می‌شود (کندپال،^۲ ۲۰۱۹). در چنین وضعیتی استفاده از یارانه شبه‌نقدی به‌صورت کالا راه‌حل بهتری برای رفع فقر است.

به‌عنوان جمع‌بندی، ۶ دلیل برای استفاده از یارانه شبه‌نقدی به‌جای یارانه نقدی برشمرده شدند. دلیل اصلی در متون علمی، نگاه پدران است. ذیل این نگاه یارانه شبه‌نقدی زمانی ارائه می‌شود که هدف، تغییر سبب مصرفی فرد باشد. دلیل دوم تفکیک فقرا از اغنیاست: کالای یارانه‌ای تیپ خاصی دارد (مثلاً

1. Adverse Selection
2. Kandpal



خانه‌های کوچک) و دسترسی به آن نیازمند کار اداری است لذا یارانه شبه‌نقدی موجب کاهش متقاضیان بی‌نیاز (و کاذب) می‌شود. دلیل سوم ایجاد انگیزه در افراد برای ورود به مسیرهای رشد (مانند تحصیل بیشتر) است. دلیل چهارم ایجاد تغییر در بازار یک کالا (مثلاً کنترل قیمت مسکن از طریق افزایش عرضه آن) است. دلیل پنجم مدیریت شکست‌های بازار است که ذاتی برخی خدمات کلیدی مانند سلامت است. دلیل ششم نیز برخی ملاحظات و موانع اجرایی استفاده از یارانه‌های نقدی است.

۲. مروری بر یارانه‌های شبه‌نقدی در ایالات متحده

مخارج دولت آمریکا در سال ۲۰۱۹ در نمودار ۱ آمده است. همان‌طور که در این نمودار مشخص است، حدود ۵۶ درصد از بودجه دولت به‌طور کلی صرف پرداخت‌های حمایتی مختلف می‌شود که بخش قابل توجهی از آن (۲۳٪ از کل) صرف تأمین اجتماعی می‌شود. مصارف تأمین اجتماعی، با استفاده از پرداخت‌های مستقیم خود مردم تأمین مالی می‌شود، به بیان دیگر مالیات‌هایی وجود دارند که فقط برای تأمین این مخارج هزینه می‌شوند و عملاً می‌توان گفت مانند ایران تأمین اجتماعی اجباری وجود دارد. بنابراین، این بخش در واقع یارانه نیست و در این گزارش کنار گذاشته می‌شود. پرداخت‌های مرتبط با سلامت نیز ۲۵ درصد از کل بودجه را دربرمی‌گیرد، قسمت بزرگی از این بخش به‌صورت یارانه شبه‌نقد است که در ادامه تشریح خواهد شد.^۱ ۸ درصد از کل بودجه نیز به چند برنامه کوچک‌تر اختصاص یافته است: اعتبار مالیاتی بر درآمد کسب شده، کمک موقت به خانوارهای نیازمند^۳ (که پرداخت نقدی و شبه‌نقدی به خانوارهای کم‌درآمد دارای فرزند است)، درآمد محافظتی مکمل^۴ (که یک برنامه کوچک برای حفاظت از افراد مسن یا ناتوان است که به دلیل قوانین مشخص برنامه‌های دیگر، مشمول آنها نمی‌شوند) و چند برنامه دیگر.

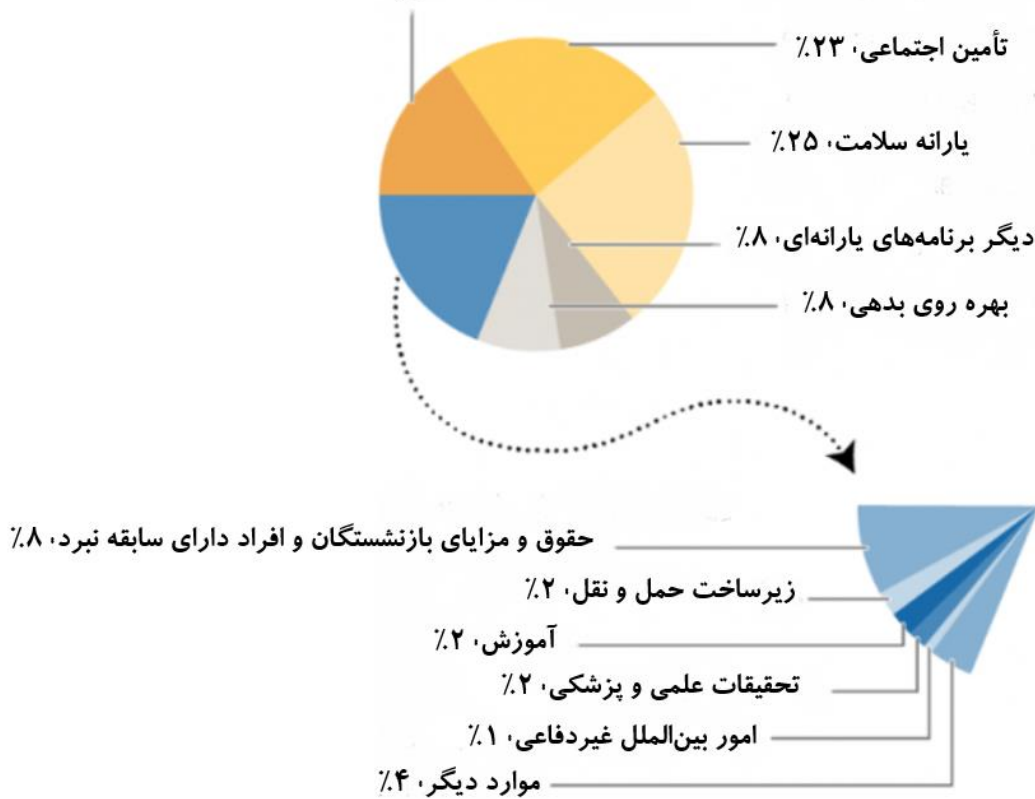
۱. از جمله کمک غذایی مکمل (Supplemental Nutritional Assistance Program, SNAP)

۲. Earned Income Tax Credit (EITC)

۳. Temporary Assistance for Needy Families (TANF)

۴. Supplemental Security Income

نمودار ۱. سهم اجزا اصلی بودجه آمریکا (به‌علت تقریب، جمع اعداد ۱۰۰ نیست)
دفاع، ۱۶٪



مأخذ: مرکز بودجه و اولویت‌های سیاستگذاری^۱.

با توجه به نظام فدرال و غیرمتمرکز حکومت آمریکا برنامه‌های حمایتی بسیار متنوعی در این کشور وجود دارد. در میان برنامه‌های اصلی، یعنی برنامه‌هایی که تعداد زیادی مخاطب دارد، دو برنامه به‌صورت کامل نقدی هستند: درآمد محافظتی مکمل و اعتبار مالیاتی بر درآمد کسب شده. برنامه‌های اصلی دیگر به‌صورت ترکیبی از یارانه نقدی و شبه‌نقدی هستند (بعضی کاملاً شبه‌نقدی هستند). در ادامه این فصل، ابتدا برنامه‌های حمایتی اصلی در آمریکا مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس به‌صورت اجمالی به دو برنامه کاملاً نقدی نیز پرداخته می‌شود. برنامه‌های مربوط به یارانه‌های معیشتی و یارانه‌های بازار کار نیز در فصول بعدی به تفصیل بیشتر مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۱-۲. معیشت

یارانه‌های مربوط به هزینه تغذیه، نگهداری از کودک و اشتغال خانوارها در آمریکا، در قالب چند برنامه اصلی ارائه می‌شوند. این برنامه‌ها بعضاً هر سه نوع این یارانه را ارائه می‌دهند. به همین دلیل این سه

1. Center on Budget and Policy Priorities.



ذیل عنوان مشترک «معیشت» معرفی می‌شوند. این یارانه‌ها به تفصیل در فصل بعد مورد بررسی قرار گرفته است.

۲-۲. مسکن عمومی

این یارانه به دو صورت اجرا می‌شود:

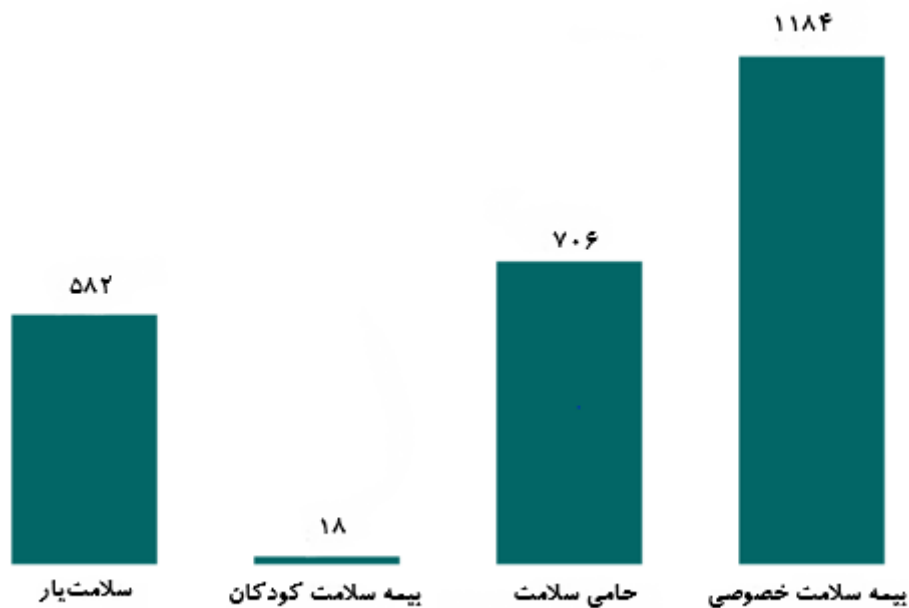
۱. ساخت منازل مسکونی توسط دولت و اجاره به فقرا، که به «پروژه مسکن‌سازی»^۱ مشهور است.
 ۲. ارائه کوپنی که فرد با ارائه آن به صاحبخانه طرف قرارداد دولت می‌تواند با نرخ اجاره پایین‌تر (حدود ۳۰٪ از درآمد خانوار) در خانه اقامت یابد.^۲
- در سال ۲۰۱۴، ۴۵ میلیارد دلار (حدود ۰/۱۳٪ از کل بودجه) به یارانه مسکن اختصاص یافت که حدود نصف آن به‌صورت کوپن برای اجاره از بخش خصوصی بود.

نکته مهم در زمینه یارانه مسکن عمومی آن است که دولت در طول زمان به آرامی میزان یارانه نوع اول را کاهش و میزان یارانه نوع دوم را افزایش داد. علت این تغییر سیاست این بود که با ساخت خانه‌های جدید یارانه‌ای، محله‌هایی با کیفیت پایین زندگی و نرخ جرم بالا تشکیل شده بودند. بنابراین در بسیاری از ایالت‌ها تأمین مسکن یارانه‌ای به‌صورت غیرمتمرکز در دستور کار قرار گرفت. با اجاره دادن خانه‌های معمولی سطح شهر به فقرا (به‌صورت یارانه‌ای)، محله‌های کم‌کیفیت نامطلوب تشکیل نمی‌شدند. این تجربه، دارای دلالت‌های مهمی در سیاست‌های حمایتی حوزه مسکن در ایران است.

۲-۳. سلامت

نمودار ۲ مخارج بر سلامت را در آمریکا به تفکیک چهار برنامه اصلی این عرصه مشخص کرده است. این چهار برنامه عبارتند از: بیمه سلامت خصوصی و سه برنامه حمایتی دولتی بزرگ. همان‌طور که در این نمودار مشخص است، با وجود اینکه نظام سلامت آمریکا به خصوصی بودن شهرت دارد، در این کشور نیز تقریباً نیمی از کل هزینه‌ها روی سلامت در قالب برنامه‌های دولتی انجام می‌شود. در واقع ستون چهارم نشان‌دهنده مخارج آمریکا بر سلامت خصوصی است و سه ستون دیگر نشان‌دهنده سه برنامه بزرگ سلامت دولتی است، همان‌طور که در نمودار مشخص است، جمع سه ستون سمت چپ حدوداً با ستون چهارم برابر است.

نمودار ۲. مخارج کشور آمریکا بر سلامت در سال ۲۰۱۷ (میلیارد دلار)



مأخذ: داده حساب‌های ملی مخارج سلامت.^۱

یارانه حوزه سلامت در قالب چهار برنامه ارائه می‌شود: حامی سلامت،^۲ که معطوف به سلامت سالمندان و افراد ناتوان است؛ سلامت یار،^۳ که به سلامت افراد کم‌درآمد (از جمله خانوارهای مسن و ناتوانی که مشمول حامی سلامت نمی‌شوند) می‌پردازد؛ برنامه بیمه سلامت کودکان^۴ و یارانه‌های بازاری ذیل قانون سلامت ارزان^۵ (قانون اصلاح نظام سلامت، مصوب دولت اوباما). قانون سلامت ارزان چند تغییر در نظام سلامت آمریکا ایجاد کرد: بیمه‌کنندگان را از عدم پذیرش یک فرد متقاضی بیمه به علت بیماری زمینه‌ای منع کرد، تعداد افراد مشمول سلامت یار را افزایش داد و برای بیمه‌های بازاری یارانه تعیین کرد. به همین دلیل در نمودار فوق ستونی مجزا برای این قانون تعریف نشده است. این برنامه‌ها در سال ۲۰۱۹، ۱۱۰۰ هزار میلیارد دلار، معادل ۲۵٪ از بودجه دولت فدرال را به خود اختصاص دادند. ۶۰٪ از این مبلغ متعلق به طرح حامی سلامت است که به ۶۱ میلیون فرد بالای ۶۵ سال یا دارای ناتوانی خدمت‌رسانی می‌کند.

شایان ذکر است طرح سلامت یار و بیمه سلامت کودکان، دولت‌های ایالتی را ملزم به پرداخت مبلغی

1. National Health Expenditures Accounts Data
2. Medicare
3. Medicaid
4. Children's Health Insurance Program (CHIP)
5. Affordable Care Act



در کنار مبلغ پرداختی از سوی دولت فدرال می‌کنند و به همین دلیل جمع کل هزینه‌های دولت روی سلامت از مقدار ذکر شده در بودجه فدرال بیشتر است. همچنین باید توجه داشت که برنامه حامی سلامت به‌طور کامل از طریق بودجه عمومی دولت تأمین مالی نمی‌شود و بخش زیادی از مخارج آن از محل پرداختی خود مردم تأمین می‌شود، بنابراین نمی‌توان به کل مخارج آن لقب یارانه داد. دو نکته اخیر، علت اختلاف ارقام ارائه شده در نمودار ۲ و ارقام بیان شده مربوط به یارانه‌های حوزه سلامت در سال ۲۰۱۹ است.

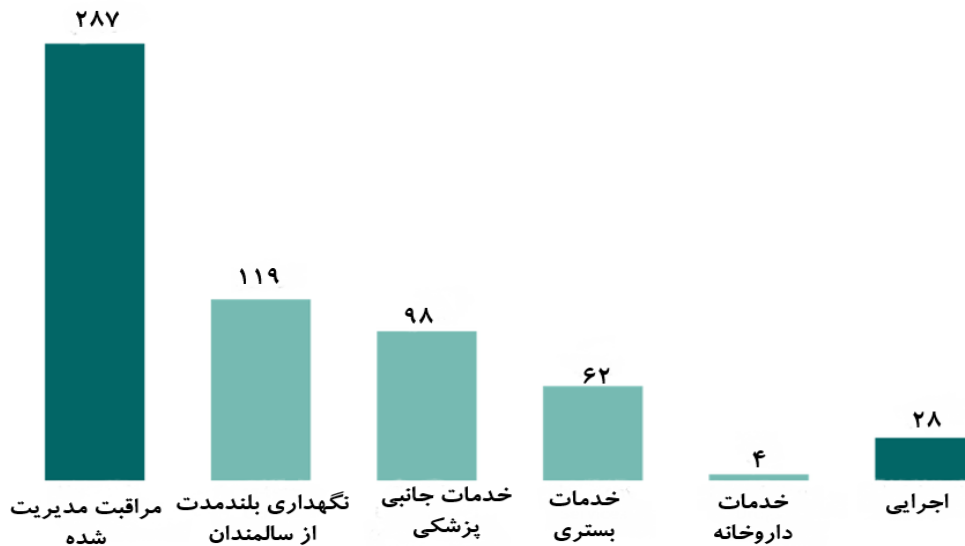
طرح حامی سلامت در سال ۱۹۶۵ به هدف محافظت از سالمندان و افراد ناتوان آغاز شد، هر شهروندی که ۱۰ سال شاغل بوده و مالیات بر درآمد پرداخت کرده به همراه همسرش مشمول این برنامه می‌شود، این طرح مانند یک بیمه سلامت معمولی عمل می‌کند و مقداری از هزینه را خود فرد پرداخت می‌کند. افراد دیگر نیز می‌توانند به قیمت آزاد شمول در این طرح را خریداری کنند. این طرح سه بخش دارد:

بخش A: مخارج بستری در بیمارستان و برخی مخارج نگهداری بلندمدت از سالمندان را دربرمی‌گیرد، هزینه دولت در این بخش از طریق مالیات بر درآمد تأمین می‌شود؛
بخش B: خدمات پزشکی، خدمات سرپایی بیمارستان و برخی خدمات دیگر را شامل می‌شود. ۲۵٪ از سهم دولت از این بخش با استفاده از پرداخت‌های ادواری افراد تأمین می‌شود و مابقی از بودجه دولت تأمین می‌شود،

بخش D: معطوف به دارو است و با مشارکت بخش خصوصی چند نوع مختلف با هزینه‌های متنوع دارد. باید توجه شود که به‌طور کلی، طرح حامی سلامت نسبت به بیمه خصوصی چندان ارزان نیست و در ضمن خدمات دندانپزشکی و چشم‌پزشکی را دربر نمی‌گیرد، البته همان‌طور که ذکر شد بخشی از مخارج این طرح از بودجه عمومی دولت نیز تأمین مالی می‌شود لذا این برنامه یارانه‌ای است و به همین دلیل در میان فقرای آمریکا بسیار محبوب است.

طرح سلامت‌یار در سال ۱۹۶۰ به‌عنوان افزونه‌ای بر برنامه یارانه نقدی دولت شروع به کار کرد، به‌عبارت‌دیگر مشمولان یارانه نقدی از این طرح نیز بهره می‌بردند، اما در طول زمان این طرح به کلی مستقل شد. این طرح از طریق بودجه عمومی دولت تأمین می‌شود و برخلاف طرح حامی سلامت، برای فرد مشمول تقریباً هزینه‌ای ندارد. طرح بیمه سلامت کودکان در سال ۱۹۹۷ به‌عنوان یک افزودنی بر طرح سلامت‌یار تعریف شد تا کودکان و مادران باردار بیشتری از سلامت ارزان برخوردار شوند. در برخی ایالت‌ها این دو طرح عملاً یکسان هستند و فقط بیمه سلامت کودکان، به برخی کودکان محروم که سطح درآمد خانواده آنها را مشمول طرح سلامت‌یار نمی‌کند نیز تعلق می‌گیرد؛ البته در برخی ایالت‌ها نیز بیمه سلامت کودکان مجزا است. با توجه به شباهت دو برنامه، نمودار ۳ جزئیات مخارج آنها را به‌صورت تجمیعی نشان می‌دهد.

نمودار ۳. جزئیات هزینه‌های برنامه‌های حامی سلامت و بیمه سلامت کودکان
به صورت تجمیعی (به میلیارد دلار) در سال ۲۰۱۷



مأخذ: سیستم بودجه و مخارج سلامت یار.^۱

هر دوی این برنامه‌ها در ایالات مختلف، تفاوت‌های کمی دارند. در واقع قانون فدرال، دولت ایالتی را تنها به رعایت یک سطح حداقلی در مورد کیفیت برنامه و شمول افراد مجبور می‌کند (بنابراین یک فرد می‌تواند در یک ایالات مشمول این طرح شود اما در ایالت دیگری نشود). کیفیت برنامه باید معادل خدمات سلامتی باشد که به کارمندان دولت در آن ایالت اعطا می‌شود. در حال حاضر تمام افراد زیر ۱۸ سال زیر خط فقر (۲۴۲۵۰ دلار در سال برای یک خانواده چهار نفره) مشمول یکی از این دو طرح هستند و کودکان زیر شش سال و زنان باردار در بیشتر ایالت‌ها تا دو برابر خط فقر (۴۸۵۰۰ دلار) و در برخی ایالت‌ها چهار برابر خط فقر (۹۷۰۰۰ دلار) مشمول این دو طرح هستند. به طور کلی می‌توان خدمات این دو طرح را به پنج دسته تقسیم کرد:

◀ «مراقبت مدیریت شده»^۲: فرد یک پزشک اصلی دارد و شبکه خدمات پزشکی که فرد می‌تواند به آنها مراجعه کند مشخص است؛ مراجعه به پزشک خارج از این شبکه در ایالات مختلف هزینه مختلفی دارد؛ در برخی ایالت‌ها با نرخ آزاد حساب می‌شود و در برخی ایالت‌ها با نرخ کمتر اما نه رایگان،

◀ خدمات نگهداری بلندمدت از سالمندان و افراد ناتوان، برای افراد که توان استفاده از طرح حامی سلامت را ندارند،

◀ خدمات جانبی پزشکی مانند عکس برداری و دندانپزشکی،

1. Medicaid Budget and Expenditure System
2. Managed Care



- ◀ خدمات بستری،
- ◀ خدمات داروخانه.

قانون سلامت ارزان، در واقع یک مجموعه اصلاحات بر نظام سلامت آمریکاست. در این قانون از یک سو مشمولان طرح سلامت یار افزایش یافتند و از سوی دیگر یکسری معافیت مالیاتی برای افراد کم‌بضاعت (دارای درآمدی بین ۱۰۰٪ تا ۴۰۰٪ خط فقر) تعریف شد، تا بتوانند برای سلامت هزینه بیشتری کنند. این معافیت مالیاتی، برای افرادی است که از طریق کارفرما به دریافت بیمه سلامت موفق نشده‌اند که می‌توانند به پرتال بیمه سلامت مراجعه کنند. شرکت‌های بیمه خصوصی در این پرتال برای جذب مشتری رقابت می‌کنند. افرادی که از بیمه ارائه شده در این پرتال استفاده کنند می‌توانند بخشی از هزینه بیمه را از مالیاتی که پرداخت می‌کنند کسر کنند.

به‌طور کلی نظام سلامت بازارمحور در آمریکا، در کمتر کشور دیگری مشاهده می‌شود و به‌طور خاص با نظام سلامت ایران تفاوت‌های اساسی دارد. این نظام بازارمحور به افزایش قابل توجه هزینه اجرایی منجر می‌شود (حدود ۸٪ از کل هزینه سلامت در آمریکا مربوط به هزینه اجرایی است، در حالی که این عدد در کانادا ۲/۷٪ است) (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی).

برای جمع‌بندی، برنامه‌های سلامت یار و سلامت کودکان به‌صورت یارانه‌ای اداره می‌شوند در حالی که برنامه حامی سلامت عملاً از پرداخت‌های خود مردم تأمین مالی می‌شود و به همین دلیل یارانه نیست. بنابراین می‌توان گفت در سال ۲۰۱۷، ۶۰۰ میلیارد دلار معادل ۱۴٪ از بودجه آمریکا صرف یارانه سلامت شده که عملاً همه آن به‌صورت شبه‌نقدی بوده است.

۲-۴. آموزش

همان‌طور که در نمودار ۱ مشخص است، بخش کوچکی (دو درصد) از بودجه دولت فدرال به آموزش اختصاص دارد؛ در مقابل، طبق جدول ۱، ۵/۳٪ از کل مخارج عمومی آمریکا صرف آموزش می‌شود. علت این اختلاف این است که بخش عمده هزینه آموزش توسط دولت ایالتی و دولت محلی تأمین می‌شود. در سال تحصیلی ۲۰۱۶-۲۰۱۵، سطوح مختلف دولت حدود ۳۵۰ میلیارد دلار صرف آموزش ابتدایی و متوسطه کردند که از این مقدار تنها ۵۶ میلیارد دلار را دولت فدرال پرداخت کرد. ۹۰٪ از کل این مبلغ صرف هزینه‌های اجرایی، مانند دستمزد کارکنان و حمل‌ونقل می‌شود، ۱۰ درصد باقی‌مانده نیز برای مصارف سرمایه‌ای مانند ساخت و بازسازی مدرسه و خرید تجهیزات هزینه می‌شود. بدین ترتیب، می‌توان گفت تقریباً کل یارانه در زمینه آموزش به‌صورت شبه‌نقدی ارائه می‌شود. در واقع در آمریکا تعداد زیادی مدرسه عمومی وجود دارد که تحصیل در آنها برای دانش‌آموزان رایگان است. در مجموع ۹۰٪ از دانش‌آموزان در مدارس عمومی تحصیل می‌کنند.

۵-۲. برنامه‌های یارانه نقدی

چنانکه بیان شد برنامه‌های شاخص یارانه نقدی در آمریکا عبارتند از:

◀ **درآمد محافظتی مکمل:** اعطای یارانه نقدی به سالمندان و معلولان. هدف از این برنامه پر کردن خلأهای به‌جا مانده از برنامه‌های مشابه دیگر (تأمین اجتماعی و بیمه معلولیت) است. افرادی که شامل برنامه‌های دیگر نمی‌شوند (مثلاً جوانی که قبل از ورود به بازار کار دچار معلولیت می‌شود) از این برنامه استفاده می‌کنند. با وجود اینکه این برنامه نسبت به برنامه «کمک موقت به خانواده‌های نیازمند» کمتر شناخته شده است، بودجه بیشتری دارد (در سال ۲۰۱۹ بودجه آن ۵۶ میلیارد دلار بود- در حالی که بودجه برنامه کمک موقت حدود ۳۲ میلیارد دلار است).

◀ **اعتبار مالیاتی بر درآمد محقق شده:** این برنامه، در عمل به شرط اشتغال به افراد کم‌درآمد مبلغی می‌پردازد. این برنامه در سال ۱۹۷۶ شروع شد و امروزه ۵۸ میلیارد دلار در سال هزینه دارد. جدول ۲ مقدار یارانه نقدی و شبه‌نقدی را در آمریکا در سال ۲۰۱۷ مقایسه می‌کند. لازم به یادآوری است که بخشی از برنامه کمک موقت به‌صورت نقدی و بخش دیگر به‌صورت شبه‌نقدی ارائه می‌شود و به همین دلیل این برنامه در هر دو ستون حضور دارد. همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود، با کنار گذاشتن یارانه سلامت، ۸۱٪ از یارانه پرداختی دولت آمریکا به‌صورت شبه‌نقدی است. اگر یارانه سلامت نیز در نظر گرفته شود می‌توان گفت تقریباً ۹۰٪ از یارانه به‌صورت شبه‌نقدی است. در واقع، در طول سی سال گذشته نسبت یارانه شبه‌نقدی به نقدی به آرامی روند افزایشی داشته است. بخشی از این روند به علت افزایش هزینه خدمات پزشکی است اما حتی با صرف‌نظر از یارانه سلامت، سهم یارانه شبه‌نقدی در حال افزایش بوده است و پرداخت یارانه نقدی بدون قید کاهش یافته است. تنها یارانه نقدی که در این بازه رشد کرده، اعتبار مالیاتی بر درآمد کسب شده است.

جدول ۲. مقادیر حدودی مخارج حمایت‌های مختلف در آمریکا در ۲۰۱۷

(خلاصه‌ای از بخش‌های قبل) (میلیارد دلار)

یارانه نقدی		یارانه شبه‌نقدی	
۵۶	درآمد محافظتی مکمل	۴۵	مسکن
۵۸	اعتبار مالیاتی بر درآمد محقق شده	۶۰۰	سلامت
		۳۵۰	آموزش
۱۱	کمک موقت (TANF)	۲۳	کمک موقت (TANF)
		۶۸	کمک غذایی مکمل (SNAP)
۱۲۵	مجموع	۱۰۸۶	مجموع



با مراجعه مجدد به دلایل ذکر شده در ابتدای گزارش برای استفاده از یارانه شبه‌نقدی، به‌نظر می‌رسد دلیل اصلی افزایش سهم یارانه شبه‌نقدی در طول زمان همان نگاه پدران باشد. به‌عبارت‌دیگر استفاده از یارانه در یک راستای خاص برای سیاستگذار اهمیت بسیار زیادی دارد، به‌نحوی که در طول زمان بخش بزرگ‌تری از یارانه به شکل شبه‌نقدی به مردم ارائه شده است تا از مصرف آن در راستای مطلوب اطمینان حاصل شود.

۳. بررسی تفصیلی یارانه‌های معیشتی

۳-۱. کمک موقت به خانوارهای نیازمند (TANF)

این برنامه در نتیجه اصلاحات نظام یارانه در سال ۱۹۹۶ به‌وجود آمد. هدف از این اصلاحات افزایش تمایل افراد به کار و رفع مشکل بی‌انگیزگی دریافت‌کنندگان یارانه نسبت به کار بود. همان‌طور که از نام این برنامه مشخص است، این یارانه به‌صورت موقت به افراد اعطا می‌شود و هدف از اعطای آن ایجاد یک تور حفاظتی موقت برای افرادی است که قادر به کار هستند و به دلایلی به‌صورت موقت بیکار شده‌اند. به همین دلیل است که مزایای برنامه سقف زمانی دارد، تا افرادی که توان کار دارند در این بازه به کار بازگردند و به دریافت یارانه عادت نکنند. در زمان شروع فعالیت این برنامه یارانه‌ای، حدود ۷۰٪ از آن به‌صورت نقدی پرداخت می‌شد، این عدد در سال ۲۰۱۳ به ۲۸٪ رسیده بود. در این برنامه دولت مرکزی مبلغی را به دولت ایالتی می‌پردازد و دولت ایالتی باید مقداری به آن افزوده (که به «حفظ تلاش»^۱ معروف است) و در چهار راستا آن را هزینه کند (مرکز بودجه و اولویت‌های سیاستگذاری، ۲۰۲۰ ب):

۱. کمک به خانواده‌های نیازمند تا بتوانند از کودکان، در خانه خودشان یا اقوام، نگهداری کنند،
۲. پایان دادن به وابستگی والدین نیازمند به کمک دولتی از طریق اشاعه کارجویی، اشتغال و ازدواج،
۳. کاهش رخ دادن زایمان بدون ازدواج و هدفگذاری کمی برای این پدیده،
۴. تشویق تشکیل و بقای خانواده‌های با حضور والدین.

سهم این برنامه از بودجه فدرال از ابتدای شروع تا به حال ۱۶٫۵ میلیارد دلار بوده است؛ یعنی در این مدت ارزش واقعی آن حدود ۴۰٪ کاهش داشته است. سهم ایالات نیز در این بازه ثابت و حدود ۱۵ میلیارد دلار بوده است. اصلاحات سال ۱۹۹۶ موجب کاهش بسیار مشمولان یارانه شد اما با این وجود به علت کاهش مقدار واقعی کل یارانه، در مجموع یارانه‌ای که به هر فرد تعلق می‌گیرد در این بازه زمانی حدود ۲۰٪ کاهش یافته است. این برنامه در سال ۲۰۱۹ به ۱٫۱ میلیون خانوار (متشکل از ۲٫۹ میلیون نفر) خدمت داد.

این برنامه در واقع چارچوبی کلی از سوی دولت فدرال به دولت‌های ایالتی است، دولت ایالتی در نحوه مصرف بودجه این برنامه درون این چارچوب مختار هستند. به همین دلیل مزایای این برنامه در

1. Maintenance of Effort (MOE)

ایالت‌های مختلف بسیار متفاوت است. در واقع با توجه به اهداف وسیعی که برای این برنامه تعریف شده است، در ایالت‌های مختلف به مصارف مختلفی می‌رسد. بخش عمده این مصارف در جدول ۳ مشخص شده است:

جدول ۳. هزینه‌های تفکیکی برنامه کمک موقت به خانوار نیازمند در سال ۲۰۱۸

درصد از کل	میلیارد دلار	
۲۱٪	۶،۷	حمایت پایه
۱۱٪	۳،۳	فعالیت‌های مرتبط با اشتغال
۳٪	۰،۹	حمایت‌های شغلی و خدمات حمایتی
۱۷٪	۵،۳	نگهداری از کودک
۱۰٪	۳،۱	هزینه اجرایی
۹٪	۲،۸	اعتبار مالیاتی
۸٪	۲،۶	خدمات پیش از مهدکودک
۸٪	۲،۶	رفاه کودکان
۱۳٪	۴،۲	خدمات دیگر
۱۰۰٪	۳۱،۳	کل

مأخذ: مرکز بودجه و اولویت‌های سیاستگذاری، ۲۰۲۰ ب.

۳-۱-۱. مصارف

توضیحی اجمالی از مصارف مختلف این برنامه به شرح زیر است (وزارت بهداشت آمریکا، ۲۰۱۹):

❖ **حمایت پایه:** پرداخت نقدی، کوپن و اشکال دیگر یارانه برای رفع نیازهای پایه‌ای خانوار (خوراک، پوشاک، مسکن، کالاهای خانگی، کالاهای بهداشتی، هزینه‌های اتفاقی و خدمات رفاهی) همچنین پرداخت به بستگان برای نگهداری از کودک (که از دیگر انواع مخارج نگهداری کودک منفک شده است) و یارانه برای فرزندخواندگی در این دسته قرار می‌گیرند.

❖ **فعالیت‌های مرتبط با اشتغال، آموزش و آموزش شغلی:** شامل یارانه برای دستمزد کارگر (به کارفرما)؛ آموزش و آموزش شغلی (اعم از تحصیلات متوسطه، مدرسه شبانه و ... یا آموزش فنی حرفه‌ای، آموزش عالی و آموزشی که مستقیماً مربوط به شغل است)؛ و فعالیت‌های جانبی مربوط به کار (از جمله هزینه‌های مرتبط با فراهم کردن تجربه کاری برای فرد، کمک به کاربایی و ...) است. فعالیت‌های مرتبط با اشتغال به علت وسعت در یک بخش مستقل در ادامه گزارش به تفصیل بررسی می‌شوند.



- ❖ **حمایت‌های شغلی^۱ و خدمات حمایتی (از جمله آموزش مالی و توسعه دارایی‌ها):**
- حمایت شغلی یعنی حمایت‌هایی که اشتغال را آسان‌تر می‌کند، برای مثال یارانه حمل‌ونقل، تهیه ابزارآلات، لباس فرم، مخارج تهیه انواع مجوز، پرداخت انواع مزایای شغلی (یعنی مجموعه‌ای از کمک‌ها که فقط به افراد شاغل تعلق می‌گیرد و جذابیت اشتغال را برای آنها افزایش می‌دهد). خدمات حمایتی عبارتند از: خدمات جلوگیری از خشونت درون منزل، خدمات سلامت جسمی و روانی، خدمات اعتیاد و ناتوانی جسمی، خدمات مشاوره مسکن و ... برخی از خدمات حمایتی ذیل آموزش مالی و توسعه دارایی نیز به شرح زیر هستند: پرداخت به حساب توسعه فردی^۲ (که نوعی حساب سپرده برای افراد کم‌درآمد است)، خدمات آموزش مالی، خدمات کمکی برای ثبت اظهارنامه مالیاتی، کمک به دسترسی به خدمات متداول بانکداری، مشاوره مدیریت مالی و اعتباری و آموزش استفاده از معافیت‌های مالیاتی.
- ❖ **نگهداری از کودک:** ارائه خدمات یا پرداخت پول برای تأمین هزینه‌های خدمات نگهداری از کودکان برای خانوارهایی که برای اقدام به کار نیاز به چنین خدماتی دارند.
- ❖ **هزینه‌های اجرایی:** قانوناً باید در هر ایالت حداکثر ۱۵٪ از هزینه را دربرگیرد. مهم‌ترین هزینه‌های اجرایی شامل هزینه بررسی افراد واجد شرایط و ارائه خدمات می‌شود.
- ❖ **اعتبار مالیاتی:** اگر اعتبار مالیاتی بر درآمد کسب شده یا برخی اعتبارهای مالیاتی دیگر در سطح ایالتی (نه ملی) به نحوی باشد که باید از سوی دولت به فرد مبلغی بازگردانده شود، این پرداخت از طریق برنامه فوق انجام می‌گیرد.
- ❖ **خدمات پیش از مهدکودک (طرح شروع زود هنگام):**^۳ آموزش‌های پیش از مهدکودک یا توسعه طرح شروع زود هنگام یا طرح‌های آمادگی برای ورود به مدرسه. طرح شروع زود هنگام یک برنامه مراقبت از کودکان از نوزادی تا ورود به مدرسه است که در آن خوراک و سلامت کودک پیگیری می‌شود، کودکان آموزش داده می‌شوند و به والدین در زمینه دسترسی بهتر به امکانات عمومی مشورت داده می‌شود.
- ❖ **خدمات رفاه کودکان:** خدمات حمایت از بنیان خانواده، به عبارت دیگر خدماتی که برای افزایش پایداری و استحکام خانوارهای تحت حمایت دولت طراحی شده‌اند، تا کودکان بتوانند در این خانوارها بمانند یا به آنها بازگردند. خدمات توسعه فرزندخواندگی و پرداخت به خانوارها برای تقبل کودک^۴ نیز در این بخش قرار دارد. برای رفاه کودکانی که در خانوارهای تحت حمایت یارانه یا در خطر مشمول شدن برای یارانه قرار دارند نیز برخی خدمات مضاعف ارائه می‌شود.
- ❖ یارانه کوتاه‌مدت در پاسخ به نیازهای ناگهانی مانند بی‌خانمانی، نیاز به غذا، پوشاک، خدمات

1. Work Support
2. Individual Development Account
3. Head Start
4. Foster Care

کفن و دفن و ... این یارانه به صورت نقدی یا شبه نقدی و به مدت کوتاه پرداخت می‌شود.

❖ مشاوره رایگان به منظور تشکیل خانواده سالم با حضور پدر: مانند کارگاه ازدواج، کارگاه

مهارت‌های پدران، تبلیغات در راستای ارزش ازدواج و

❖ جلوگیری از زایمان خارج از ازدواج و چند برنامه خرد دیگر.

همان‌طور که از لیست فوق مشخص است، تعداد چشمگیری از مصارف این برنامه، به صورت شبه نقدی هستند. به طور کلی می‌توان گفت مقدار کمک اعطا شده در همه ایالت‌ها کم است به نحوی که در هیچ ایالتی، حمایت‌های این برنامه، فرد را به بالاتر از ۶۰٪ خط فقر نمی‌رساند.

۲-۱-۳. مشمولان

ایالت‌ها در تعیین مشمولان، آزادی نسبی دارند. مقدار کمک، شرایط شغلی لازم برای مشمول شدن و نحوه محاسبه نیاز فرد با توجه به درآمد و دارایی تا حدودی به ایالت‌ها سپرده شده است، به نحوی که تقریباً نمی‌توان آمار کلی برای تعداد افراد مشمول ارائه داد. قواعدی که دولت مرکزی برای مشمولان وضع کرده است عبارتند از:

◀ **محدودیت زمانی:** همان‌طور که از نام این برنامه مشخص است (کمک موقت به خانوارهای نیازمند)، استفاده از این امکانات یک سقف زمانی دارد. هدف از قرار دادن این سقف ترغیب افراد به یافتن یک شغل مناسب و بی‌نیازی از یارانه است. ایالت‌ها حق ندارند به خانواری که یک فرد بالغ دارد به مدت بیش از ۶۰ ماه یارانه‌ای از جانب دولت مرکزی بپردازند؛ البته در شرایط خاص این محدودیت می‌تواند به مدت یک سال تعلیق شود. خانوارهایی که فقط از کودک تشکیل شده‌اند (کودکان بدون سرپرست) و خانوارهایی که فقط از منابع ایالتی استفاده می‌کنند چنین محدودیتی ندارند؛ البته در عمل ایالت‌ها معمولاً به جز در موارد خاص، قواعد زمانی سخت‌گیرانه‌تری دارند.

◀ **شروط اشتغال:** دولت مرکزی برای دولت ایالتی قیودی تعریف کرده است: ۵۰٪ از خانواده‌های با یک سرپرست باید حداقل ۳۰ ساعت در هفته کار کنند (اگر فرزند زیر ۶ سال دارند، این عدد به ۲۰ ساعت کاهش می‌یابد)، از سوی دیگر ۹۰٪ از خانوارهایی که دو سرپرست دارند باید ۳۵ ساعت در هفته کار کنند. ایالت‌ها برای رعایت این قیود به خانوارها فشار می‌آورند و خانواری که از شروط تبعیت نکند با جریمه و حتی انفصال از برنامه، تنبیه خواهند شد. «اشتغال» در اینجا تعریف مشخص دارد و فعالیت‌های جانبی مانند کارجویی و شرکت در کلاس آموزشی نمی‌تواند کل این شرط را تأمین کند (به‌طور مثال در برخی ایالت‌ها فرد باید حداقل ۲۰ ساعت در هفته را به اشتغال واقعی بگذراند).



۳-۱-۳. موفقیت برنامه در مبارزه با فقر^۱

در اواخر دهه نود میلادی، نظام یارانه آمریکا را به‌طور کلی سیاستگذاران اصلاح کردند. هدف از این اصلاحات افزایش تمایل افراد به اشتغال و خروج از چتر یارانه بود. این برنامه نیز در حین آن اصلاحات، با همین هدف ایجاد شد. در سال‌های اول تأسیس این برنامه، تعداد خانوارهایی که کمک دریافت می‌کردند به‌صورت چشمگیری کاهش یافت اما از سوی دیگر، در زمان بحران اقتصادی پاسخ مناسبی از سوی این برنامه مشاهده نشد (برای مثال تعداد مشمولان این برنامه در سال ۲۰۱۰ (پس از بحران مالی و رکود شدید ناشی از آن) تنها ۱۶٪ افزایش یافت). بنابراین، اصلاحات فوق‌الذکر عملکرد بسیار بدی در زمینه جلوگیری از فقر و فقر مطلق (کمتر از نصف خط فقر) داشته است. در سال ۱۹۹۶، ۶۸٪ از خانوارهای فقیر از این برنامه بهره می‌گرفتند، در سال ۲۰۱۸ این عدد به ۲۲٪ رسیده بود. مقدار این یارانه نیز به حدی نیست که به تنهایی یک خانوار را از فقر خارج کند.

از سویی، این برنامه در تحقق هدفش، یعنی افزایش تمایل افراد به کار، نیز موفق نبوده است. بودجه‌ای که به برنامه‌های مربوط به کار تخصیص داده می‌شود ناچیز است (در سال ۲۰۱۸، تنها ۱۳٪ از کل بودجه این برنامه، به این بخش اختصاص یافت). در یک پژوهش نشان داده شد که والدینی که از این برنامه خارج می‌شوند اشتغال ناپایداری دارند و اکثراً در فقر مطلق زندگی می‌کنند. اکثر افرادی که از برنامه خارج می‌شوند به علت پایان بازه زمانی قانونی آن است و تعداد افرادی که به علت بهبود وضع درآمدی از برنامه خارج می‌شوند ناچیز است. افرادی که به این برنامه نیاز دارند عموماً موانع جدی برای ورود به بازار کار دارند، به‌عنوان مثال فرزند معلول، معلولیت ذهنی، عدم دسترسی به مسکن، اعتیاد و ... دارند. این برنامه در رفع مشکلات این افراد عملکرد ضعیفی داشته است.

۳-۲. کمک غذایی مکمل (SNAP)^۲

زمانی که در آمریکا از کوپن غذا صحبت می‌شود، عموماً منظور این برنامه است. این برنامه در گذشته با توزیع کوپن، به تغذیه سالم در خانواده‌های نیازمند کمک می‌کرد اما امروزه کارت اعتباری جای کوپن را گرفته است. این برنامه در سال ۲۰۱۹، ۳۸ میلیون مشترک داشت. بودجه این برنامه نیز در سال ۲۰۱۹ حدود ۶۸ میلیارد دلار بود که معادل ۱/۵٪ از کل بودجه کشور بود، حدود ۸ درصد از این مبلغ صرف هزینه‌های اجرایی از جمله بررسی مشمولان، آموزش و استخدام کادر و آموزش نکات غذایی به مشمولان می‌شود. هزینه‌های این برنامه از بودجه دولت فدرال تأمین می‌شود و ایالات تنها در پرداخت هزینه‌های اجرایی سهیم هستند. دوسوم از خانوارهای تحت پوشش این برنامه دارای کودک هستند و

1. Source: Center on Budget and Policy Priorities. 2020b. Temporary Assistance for Needy Families
2. Source: Center on Budget and Policy Priorities, 2019
3. Supplemental Nutritional Assistance Program (SNAP)

یک‌سوم نیز افراد سالمند یا معلول دارند.

۱-۲-۳. مشمولان

قوانین شمول در این برنامه عملاً در سطح کشور ثابت هستند، یک خانوار برای بهره‌مندی از مزایای این برنامه باید سه شرط را ارضا کند:

۱. درآمد ناخالص خانوار باید حداکثر ۱۳۰٪ از خط فقر باشد- که برای یک خانواده سه نفره یعنی درآمد ۲۷۰۲۰ دلار در سال (۲۲۵۲ دلار در ماه). خانوارهایی که یک عضو سالمند یا معلول دارند لازم نیست از این قید پیروی کنند.

۲. درآمد خالص ماهیانه، یعنی درآمدی که پس از کسر برخی مخارج مانند خرج مسکن و نگهداری فرزند باقی می‌ماند، باید حداکثر برابر با خط فقر باشد.

۳. دارایی خانوار باید کمتر از حد مشخصی باشد- برای یک خانوار معمولی حداکثر ۲۲۵۰ دلار و برای یک خانوار با عضو سالمند یا معلول حداکثر ۳۵۰۰ دلار.

مشمولان برنامه کمک موقت، درآمد محافظتی مکمل یا هر نوع یارانه نقدی ایالتی به‌صورت خودکار مشمول این برنامه نیز هستند. البته در صورت عدم استفاده از برنامه‌های دیگر نیز، به شرط احراز شرایط درآمدی، می‌توان از این برنامه استفاده کرد. برخی افراد مانند کارگران در حال اعتصاب، مهاجران غیرقانونی و بیشتر دانشجویان نمی‌توانند از این مزایا استفاده کنند. ازسوی دیگر افراد بالغ سالم خانواده باید در مراکز کارایی ثبت‌نام کرده و هر شغلی که به آنها پیشنهاد شد را بپذیرند. افراد بالغ بدون فرزند بیکار حداکثر سه ماه می‌توانند از این برنامه استفاده کنند، مگر اینکه حداقل هفته‌ای ۲۰ ساعت را به آموزش‌های مرتبط با کار و کارجویی بگذرانند. البته دولت ایالتی در شرایط بحرانی که شغل‌های قابل قبول نایاب هستند می‌تواند این شرط را موقتاً بردارد.

۲-۲-۳. مراحل دریافت یارانه

ایالت‌ها تا حدودی در نحوه اجرای این فرایند آزادی دارند، اما به‌طور کلی در اکثر ایالت‌ها فرد باید ابتدا با مراجعه به دفتر این برنامه یک تقاضا صادر کند، البته بیشتر ایالت‌ها امکان ثبت درخواست به‌صورت پستی، نامبر و حتی اینترنتی را نیز دارند. در مرحله بعد متقاضی در یک مصاحبه شرکت می‌کند - این مصاحبه معمولاً به‌صورت تلفنی است. متقاضیان باید مستندات مربوط از جمله هویت، محل سکونت، وضعیت مهاجرت، ترکیب خانواده، درآمد و منابع درآمدی، دارایی، سابقه جرم، وضعیت مهاجرت و هزینه‌های قابل کسر را ارائه دهند. فرد مصاحبه‌کننده برای راستی‌آزمایی این اطلاعات از داده‌های دولتی، مستندات ارائه شده و مصاحبه با افراد مطلع - مانند کارفرما یا موجر- استفاده می‌کند.

لازم به تأکید است که دولت با استفاده از اظهارنامه مالیاتی و دیگر منابع در دسترس نمی‌تواند به‌صورت دقیق مقدار یارانه‌ای که به این افراد تعلق می‌گیرد (فاصله افراد از خط فقر) را تخمین بزند و



از آنها خواسته می‌شود برای مصاحبه هرگونه مدارک مرتبط - از جمله اسناد پرداخت‌های قابل کسر از درآمد - را ارائه دهند. به‌طور خاص، در اسناد مربوط به مالیات فرد لزوماً نباید تمام دارایی خود را افشا کند بلکه تمرکز بر درآمد فرد در سال گذشته است. در صورتی که درآمد خانوار به‌صورت ناگهانی افزایش یابد لازم است به دفتر برنامه گزارش دهند. همچنین، خانوارها باید به‌صورت دوره‌ای (هر ۶ الی ۱۲ ماه) مجدداً برای دریافت یارانه تقاضا دهند. این بازه برای افراد مسن یا معلول ۱۲ الی ۲۴ ماه است. خانوارهای پذیرفته شده یک کارت الکترونیک یارانه دریافت می‌کنند که به‌صورت ماهیانه با مبلغ یارانه شارژ می‌شود. در کل کشور ۲۶۳۰۰۰ خرده‌فروش مشترک برنامه هستند و این کارت خرید را می‌پذیرند. ۸۰٪ این مبلغ در فروشگاه‌های زنجیره‌ای بزرگ هزینه می‌شوند. این یارانه نمی‌تواند روی مشروبات الکلی، سیگار، مکمل‌های غذایی (مانند ویتامین)، غذای گرم و یا ملزومات غیرخوراکی خانگی هزینه شود، اما به‌جز این موارد محدودیت دیگری بر نوع غذای دریافتی با استفاده از کارت یارانه وجود ندارد. یک فروشگاه برای اینکه بتواند عضوی از برنامه شود باید حداقل ۱۲ کالای متفاوت ذیل عنوان غذا عرضه کند.

۳-۲-۳. مبلغ دریافتی خانوارها

مبلغ یارانه این برنامه برحسب نیاز متفاوت است، به‌عبارت‌دیگر هرچه خانوار به مرز شمول نزدیک‌تر باشد، مبلغ کمتری دریافت خواهد کرد. برنامه فرض می‌کند که خانوار ۳۰٪ از درآمد خالصش را صرف غذا خواهد کرد (درآمد خالص در بخش قبل تعریف شد) و به‌نحوی به خانوار یارانه می‌پردازد که اختلاف این ۳۰ درصد و نیازهای خانوار طبق برنامه «غذای صرفه‌جو»^۱ را پر کند - برنامه غذای صرفه‌جو یک برنامه غذایی ارزان اما به اندازه کافی مقوی است که وزارت کشاورزی طراحی کرده است. در جدول حداکثر مقدار یارانه ممکن و میانگین یارانه دریافتی خانوارها با ابعاد مختلف نمایش داده شده است. اگر خانواری هیچ درآمدی نداشته باشد، کل مبلغ پیشنهادی از سوی برنامه غذای صرفه‌جو را دریافت خواهد کرد. به همین صورت، یک خانوار سه نفره طبق برنامه غذای صرفه‌جو باید ۵۰۵ دلار در ماه صرف غذا کند، پس اگر مثلاً ۶۶۰ دلار در ماه درآمد داشته باشد ۵۰۵ دلار منهای ۳۰ درصد از ۶۶۰ دلار دریافت خواهد کرد. افراد تحت حمایت این یارانه به‌صورت میانگین ۱۲۷ دلار در ماه (معادل ۴,۱۷ دلار در روز یا ۱,۳۹ دلار برای هر وعده غذایی) دریافت می‌کنند.

جدول ۴. یارانه برنامه کمک غذایی مکمل در سال ۲۰۱۹

میانگین یارانه ماهیانه	حداکثر یارانه ماهیانه	ابعاد خانوار
۱	۱۹۲	۱۳۱
۲	۳۵۳	۲۳۹
۳	۵۰۵	۳۶۵
۴	۶۴۲	۴۴۸
۵	۷۶۲	۵۰۶

مأخذ: وزارت کشاورزی آمریکا.^۱

۳-۲-۴. جلوگیری از فروش مجدد غذا

همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، یارانه شبه‌نقدی تنها زمانی اثربخش است که کالای مورد نظر قابلیت فروش مجدد نداشته باشد، در غیر این صورت عملاً به یک یارانه نقدی تبدیل می‌شود. در آمریکا، معامله کوپن غذا ممنوع است و با جریمه قابل توجه همراه است. با این وجود، گزارش‌ها نشان می‌دهند یک بازار جدی برای خرید این کوپن‌ها وجود دارد، اما به قیمت کمتر (حدوداً نصف). دولت برای جلوگیری از چنین مبادلاتی اقدام‌هایی از جمله بازرسی ناشناس، بررسی دفاتر خرده‌فروشان و ... انجام می‌دهد. این فعالیت‌ها موجب کاهش نرخ فروش مجدد این یارانه از ۴٪ به ۱٪ شده‌اند.

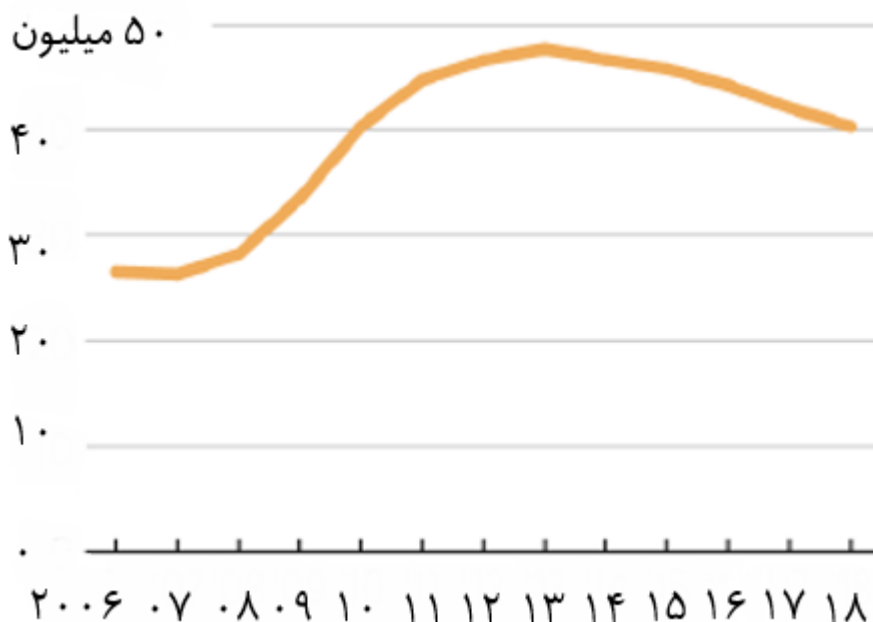
۳-۲-۵. عملکرد

در مقایسه با برنامه کمک موقت به خانوارهای نیازمند، این برنامه عکس‌العمل بسیار قابل توجهی به بحران سال ۲۰۰۸ داشت، همان‌طور که در نمودار ۴ مشخص است، تعداد دریافت‌کنندگان این یارانه از حدود ۲۷ میلیون نفر در سال ۲۰۰۷ به حدود ۴۷ میلیون در سال ۲۰۱۳ رسید و سپس رو به کاهش گذاشت. به موازات این افزایش تعداد، با تصویب یک قانون، سقف پرداختی نیز به صورت موقت افزایش یافت تا در زمان بحران به افراد نیازمند کمک بیشتری شود.

1. U.S. Dept. of Agriculture- SNAP Fiscal Year 2019 Cost-of-Living Adjustments. <https://fns-prod.azureedge.net/sites/default/files/snap/COLAMemoFY19.pdf>



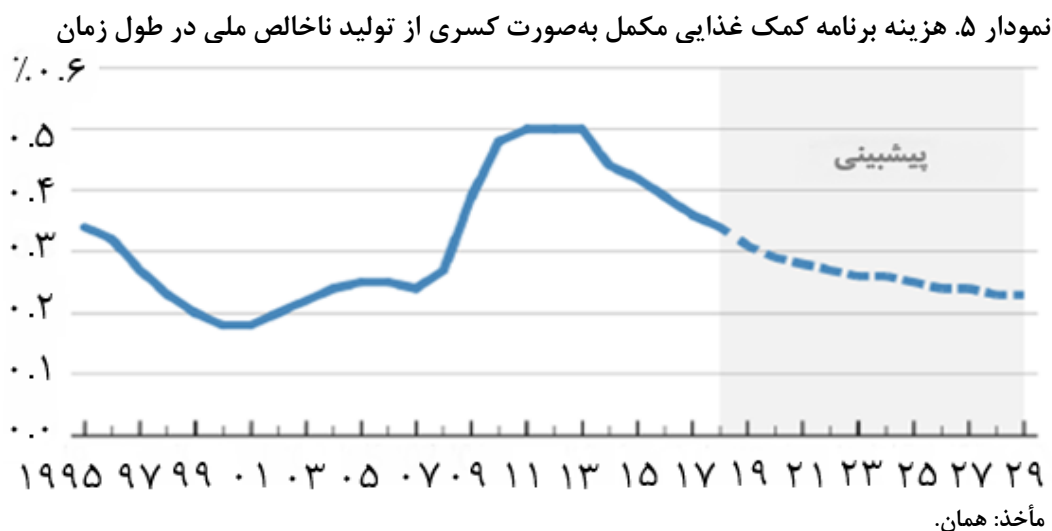
نمودار ۴. میانگین تعداد مشترکان برنامه کمک غذایی مکمل در هر سال



مأخذ: مرکز بودجه و اولویت‌های سیاستگذاری، ۲۰۱۹.

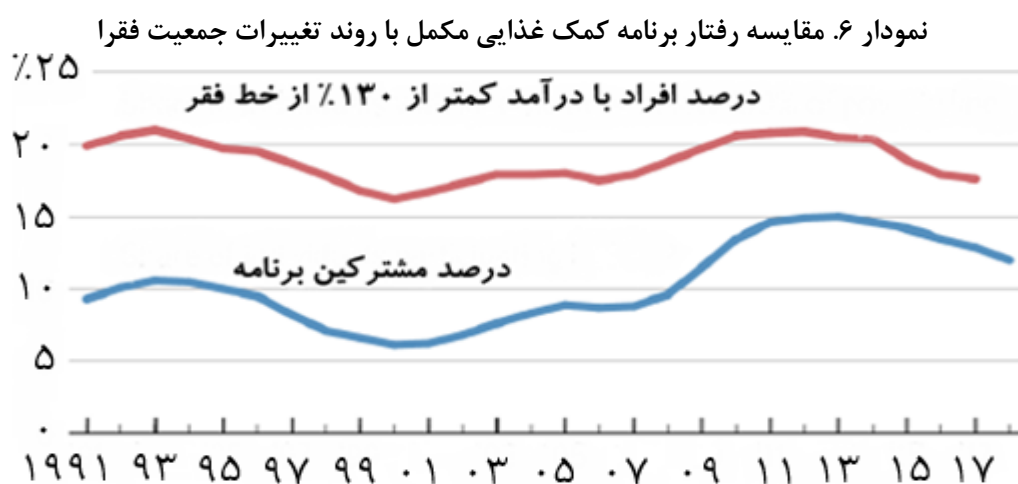
نکته جالب این است که با توجه به هدف اسمی این برنامه (تأمین نیاز غذایی مردم) افزایش سقف پرداختی در زمان بحران ۲۰۰۸ کار معقولی نیست چراکه در این بازه زمانی قیمت کالاهای غذایی نسبتاً ثابت بود. به نظر می‌رسد قانونگذار تشخیص داده که این برنامه در زمینه شناسایی و کمک به نیازمندان واقعی، بهترین عملکرد را دارد و بنابراین با افزایش حجم کمک این برنامه سعی کرده به فقرا کمکی فراتر از کمک غذایی کرده باشد. برنامه‌های دیگر مورد بررسی در این گزارش چنین افزایش موقتی نداشتند. به بیان دیگر، عملکرد این برنامه در تشخیص فقرا بسیار بهتر از برنامه‌های یارانه‌ای دیگر دولت بود و دولت در زمان بحران از این ابزار تشخیص برای کمک بیشتر به فقرا استفاده کرد.

کاهش تعداد مشمولان و پایان یافتن دوره افزایش موقت سقف پرداختی یارانه باعث شده که هزینه این برنامه از سال ۲۰۱۴ روند کاهشی به خود بگیرد و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۶، هزینه این برنامه به سطح سال ۲۰۰۷ بازگردد (این نکات در نمودار ۵ مشخص هستند).



۳-۲-۶. مزایای این برنامه

۱. **دستگیری سریع از نیازمندان:** چون این برنامه معطوف به قشر خاصی نیست و (برخلاف برنامه کمک موقت) محدودیت زمانی نیز ندارد، خانوارها بلافاصله پس از ورود به بازه درآمدی تعیین شده، از مزایای آن استفاده می‌کنند و افرادی که موفق به افزایش درآمد نمی‌شوند نیز نگران کاهش کل درآمدشان (با احتساب یارانه) نیستند. این باعث می‌شود که برنامه به سرعت به شرایط اقتصادی عکس‌العمل نشان دهد: در زمان ضعف اقتصادی، تعداد یارانه‌بگیران به سرعت افزایش یافته و در زمان قوت اقتصادی دوباره کاهش می‌یابد - نمودار ۶ به خوبی این پدیده را نشان می‌دهد. بنابراین، این برنامه به خانواده‌ها کمک می‌کند تا دوره‌های موقت تنگدستی را سپری کنند، به‌عنوان مثال اگر مادری شغلش را از دست داد، تا یافتن شغل بعدی نگران تغذیه کودکانش نیست.



مأخذ: همان.



۲. اثرات اقتصاد کلان: این برنامه چون یک سیاست انبساطی در دوران رکود است، یکی از سریع‌ترین و مؤثرترین روش‌ها برای تحریک اقتصاد است. افراد کم‌درآمد عموماً کل درآمدشان را صرف نیازهای روزانه مانند مسکن، غذا و حمل‌ونقل می‌کنند، بنابراین هر دلاری که به یک خانوار کم‌درآمد داده می‌شود بلافاصله در اقتصاد خرج خواهد شد. ۸۰٪ از پرداختی این برنامه به فاصله دو هفته از دریافت، مصرف می‌شود و پس از یک ماه این مقدار به ۹۷٪ می‌رسد. به گزارش شرکت مؤدی^۱ در سال ۲۰۰۹ که کشور درگیر رکود بود، هر یک دلار که به صورت یارانه در این برنامه هزینه شد منجر به حدود ۱٫۷ دلار فعالیت اقتصادی شد. طبق گزارش دفتر بودجه کنگره^۲ این برنامه از جهت تحریک فعالیت‌های اقتصادی و نیز تولید شغل، یکی از بهترین برنامه‌های یارانه در آمریکا است (مرکز بودجه و اولویت‌های سیاستگذاری، ۲۰۱۹).

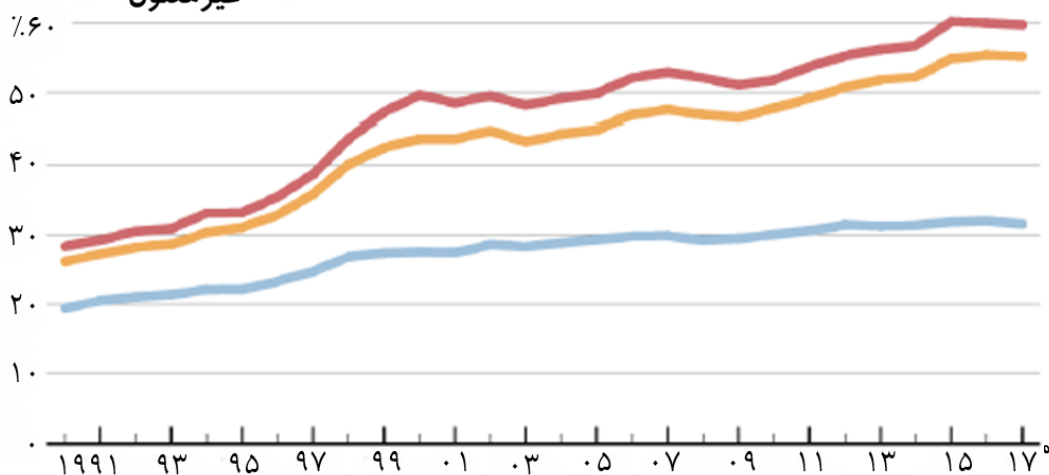
۳. کاهش شدت فقر و گرسنگی: این برنامه به صورت عملی به شدت بر فقرا متمرکز است. ۹۲ درصد از یارانه پرداختی در این برنامه به خانوارهای زیر خط فقر و ۵۵ درصد از آن به خانوارهای زیر نیمه خط فقر (فقر مطلق، معادل ۱۰۳۹۰ دلار در سال برای یک خانوار سه نفره) تعلق می‌گیرد؛ خانوارهای فقیرتر، دریافتی بیشتری دارند. این صفات باعث می‌شود که این برنامه ابزار مناسبی برای مبارزه با فقر باشد. این برنامه در سال ۲۰۱۶ مستقیماً باعث خروج ۷٫۳ میلیون نفر (۳٫۳ میلیون کودک) از فقر (خط فقر) شد. همچنین ۱٫۹ میلیون کودک را در سال ۲۰۱۶ از فقر مطلق (نیمه خط فقر) خارج کرد. امروزه در مقایسه با دهه شصت، گرسنگی و سوء‌تغذیه در آمریکا بسیار کمتر شده است.

۴. حمایت از اشتغال: هدف این برنامه در کنار حمایت از افراد سالمند، معلول و بیکاران موقت، حمایت از شاغلان کم‌درآمد است، البته باید توجه داشت که دوسوم از دریافت‌کنندگان این یارانه سالمند، کودک یا معلول هستند بنابراین از آنها انتظار کار نمی‌رود. میلیون‌ها آمریکایی در مشاغل با دستمزد پایین، زمانبندی نامشخص و فاقد مرخصی استعلاجی با حقوق فعال هستند؛ اکثر مشتریان این طرح در مشاغل خدماتی مانند آشپزی، کمک خانگی و فروش فعال هستند. این برنامه تحمل بازه‌های بدون دستمزد و یا جست‌وجوی کار را برای این افراد راحت‌تر می‌کند.

این برنامه چند صفت دارد که باعث کمک به بازار کار می‌شود: به ازای هر دلار درآمد بیشتری که یک مشترک کسب می‌کند، یارانه دریافتی تنها بین ۰٫۲۴ تا ۰٫۳۶ دلار کاهش می‌یابد، پس از یک سو فرد همیشه انگیزه افزایش درآمد دارد و از سوی دیگر این یارانه در تمام روند حرکت به سمت استقلال مالی برای خانواده یک منبع ارزشمند برای تأمین نیازهای غذایی است. همچنین همان‌طور که در بخش مشمولان این برنامه گفته شد، افرادی که از این برنامه استفاده می‌کنند باید در صورت عدم اشتغال، مدت زمان مشخصی از هفته را به فعالیت‌های مرتبط با کار مانند کلاس آموزشی و کارجویی بگذرانند.

ایالت‌ها با اجرای این قبیل برنامه‌ها^۱ نیز به افزایش اشتغال کمک می‌کنند. استفاده از یارانه این برنامه موجب گریز افراد از کار نمی‌شود. تعداد خانوارهایی که در حین استفاده از برنامه، درآمد نیز دارند (کاملاً بیکار نیستند) از ۲ میلیون در سال ۲۰۰۰ به ۶,۵ میلیون در سال ۲۰۱۷ رسیده است، به‌صورت درصدی از کل مشترکان برنامه، خانوارهای دارای درآمد از ۲۷٪ به ۳۱٪ رسیده‌اند و مطابق نمودار ۷، این نسبت‌ها در خانوارهای دارای فرزند به مراتب بیشتر است.

نمودار ۷. درصدی از خانوارهای مشترک برنامه کمک غذایی مکمل که درآمد دارند در گذر زمان تمام خانوارها خانوارهایی یا فرزند خانوارهایی یا فرزند و یک فرد بالغ غیرسالمند و غیرمعلول

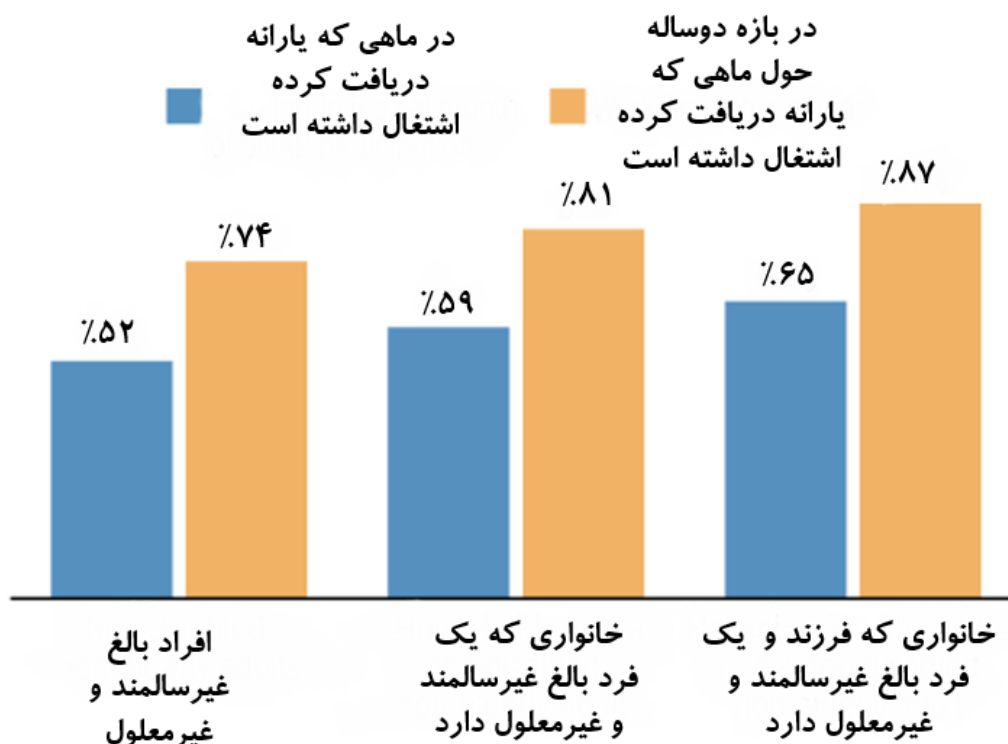


در هر ماه از سال ۲۰۱۲ بیش از نیمی از افراد بالغ غیرسالمند غیرمعلولی که یارانه به کارتشان واریز شد مشغول کار بودند. این درصد برای یک سال قبل و بعد از این ماه (بازه ۲۵ ماهه) ۷۴ درصد است، بررسی درآمد داشتن کل خانوار در این بازه ۲۵ ماهه در نمودار ۸ آمده است.

۱. این خدمات در قالب SNAP Employment and Training Program ارائه می‌شود.



نمودار ۸. وضعیت اشتغال مشترکان برنامه کمک غذایی مکمل در بازه ۲۰۱۱-۲۰۱۳



مأخذ: همان.

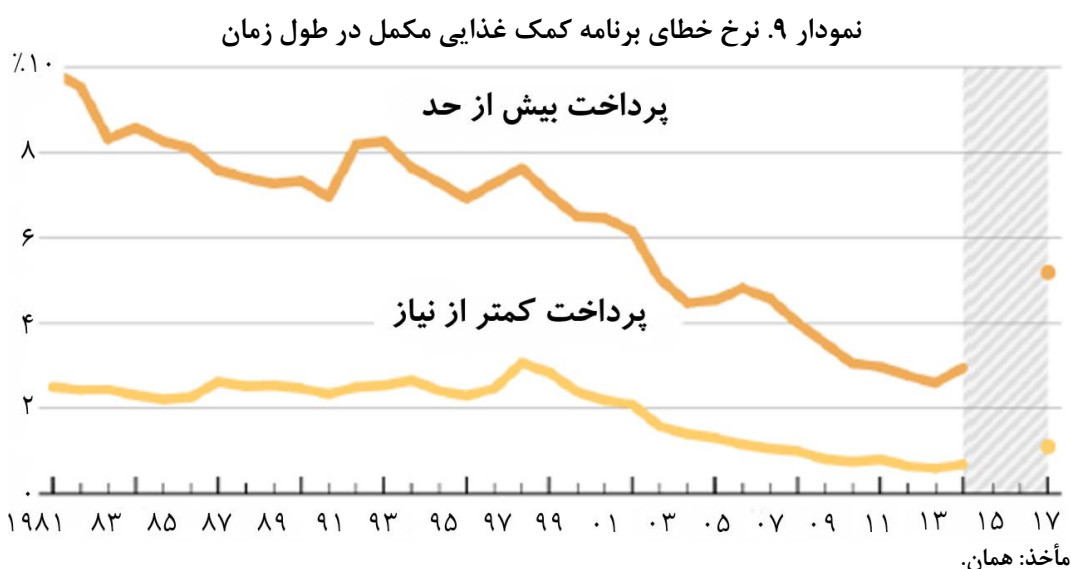
* منظور از اشتغال خانوار، اشتغال سرپرست خانوار یا همسر اوست.

به‌عنوان جمع‌بندی به‌نظر می‌رسد وجود این برنامه موجب تقویت بازار کار شده و دریافت این یارانه موجب کاهش انگیزه کاریابی نمی‌شود.

۵. پشتیبانی از تغذیه سالم: این برنامه موجب افزایش بودجه تغذیه خانوار می‌شود و از سوی دیگر، تمام ایالت‌ها در کنار ارائه این یارانه طرح‌هایی برای آموزش تغذیه سالم به مضمولان دارند. مطالعه‌ای که روی کودکان دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ انجام شد (زمانی که برنامه کمک غذایی مکمل هنوز به‌صورت ملی اجرا نمی‌شد) نشان می‌دهد که کودکان تحت حمایت این برنامه، بعداً به‌عنوان افراد بالغ وضع سلامت بهتری نسبت به کودکانی که این کمک را دریافت نکردند داشتند.

۶. عکس‌العمل سریع به حوادث: این برنامه در مقابل حوادث به‌صورت بخشی از نظام عکس‌العمل اولیه^۱ عمل کرده و به خانوارهای آسیب‌دیده غذا می‌رساند. پس از رخ دادن حادثه، وزارت کشاورزی با استفاده از این برنامه مجموعه‌ای از خدمات ارائه می‌دهد: اعطای یارانه جایگزین برای آن ماه در صورتی که غذای خانوار مضمول در خلل حادثه از دست رفته باشد، افزودن افراد غیرمضمول آسیب‌دیده به برنامه و همچنین کاهش سختگیری در قواعد اعطای یارانه برای کاهش بار اجرایی روی کارکنان برنامه.

۷. عملکرد گزینش: این برنامه از منظر گزینش یکی از متقن‌ترین برنامه‌های یارانه است. قواعد نظام کنترل کیفی این برنامه حکم می‌کند که ایالت‌ها هر ماه تعدادی پرونده را به‌عنوان نمونه با استفاده از داوران مستقل بررسی کنند. هدف از این کار، بررسی نظام گزینش آن ایالت است و در مجموع در هر ماه حدود ۵۰۰۰۰ پرونده از سراسر کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد. تعدادی از این پرونده‌ها مجدداً توسط بازرسان فدرال بررسی می‌شوند و در نهایت وزارت اقتصاد به‌صورت سالیانه گزارشی از نرخ اشتباه - به تفکیک ایالت و در کل - منتشر می‌کند. در صورتی که یک ایالت به‌صورت بلندمدت نرخ خطایی بالاتر از میانگین داشته باشد، جریمه مالی می‌شود. این یکی از گسترده‌ترین نظام‌های کنترل کیفی در میان یارانه‌های مختلف است. نرخ خطای این برنامه در نمودار ۹ نمایش داده شده است، مجموع دو نوع خطا (پرداخت بیشتر یا کمتر از حد) در سال ۲۰۱۷ حدود ۶/۳٪ بود.



در سال ۲۰۱۵ بازرس کل^۱ ایالات متحده اعلام کرد که داده منتشر شده در راستای کنترل کیفی این برنامه دارای ایراد است، به همین دلیل این داده در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ منتشر نشد تا یک بازنگری اساسی در نحوه محاسبه این اطلاعات انجام گیرد. این داده مجدداً در سال ۲۰۱۷ منتشر شد و نرخ خطای اعلام شده در این سال بیش از دو برابر نرخ قبلی بود اما باز هم نسبت به روند قبلی مقدار مناسبی داشت. در سال ۲۰۱۶، ۸۵٪ از افرادی که دارای شرایط این برنامه بودند، از مزایای آن استفاده کردند، این نسبت در سال ۲۰۰۲، ۵۴٪ بود.

شایان ذکر است که بسیاری از خانوارهای کم‌درآمد مشترک این برنامه هنوز هم در تأمین نیازهای

1. Inspector General



غذایی مشکل دارند. به نظر می‌رسد برآوردهای این برنامه از هزینه غذا، زمان لازم برای آماده‌سازی آن و سطح دسترسی افراد به اغذیه‌فروشی با واقعیت فاصله دارد و همین باعث شده که یارانه‌های پرداختی برای تأمین نیازهای خانوار ناکافی باشند.

۳-۳. مقایسه کمک موقت به خانوارهای نیازمند و کمک غذایی مکمل

همان‌طور که در بخش‌های قبل ذکر شد، در مجموع میزان رضایت از برنامه «کمک غذایی مکمل» بسیار بیشتر از برنامه «کمک موقت به خانوارهای نیازمند» است. لازم است توجه شود که هدف این دو یارانه متفاوت است: کمک غذایی مکمل به‌طور کلی برای رفع نیاز غذایی تمام فقرا طراحی شده است در حالی که جامعه هدف برنامه کمک موقت به خانوارها، افرادی است که به علت یک شوک وارد فقر شده‌اند و در بلندمدت توان نگهداری از خود را دارند، به همین دلیل حمایت‌های این برنامه موقت است. اتفاقی که عملاً روی می‌دهد این است که همه فقرا شامل هر دو برنامه می‌شوند اما پس از پنج سال کسی که نتوانسته خود را از فقر بیرون بکشد دیگر مشمول کمک موقت نیست، بنابراین گویا فقر طولانی‌مدت جریمه می‌شود. ریشه عدم رضایت از برنامه کمک موقت همین است.

به بیان دیگر ایده کلی این نظام این بوده که افرادی که قادر به کار کردن هستند به یافتن مجدد شغل و خروج از لیست یارانه تشویق شوند، اما عملاً باعث فشار بر کسانی شده که توان خروج از فقر را ندارند (مانند معلولان). ریشه عدم رضایت از برنامه کمک موقت نیز همین است. بنابراین در طراحی هرگونه نظام مشابه در ایران لازم است به این اهداف متناقض توجه شود.

۳-۴. برنامه‌های غذایی دیگر

چند برنامه کوچک دیگر نیز یارانه تغذیه را به‌صورت شبه‌نقدی ارائه می‌دهند. یکی از این برنامه‌ها برنامه مخصوص تغذیه مکمل برای زنان، نوزادان و کودکان^۱ نام دارد، که در واقع اعطای یارانه برای بهبود سلامت جنین و نوزاد است. مادران باردار و کودکان زیر پنج سال، به شرطی که در حال دریافت یارانه نقدی باشند، یا مشترک برنامه سلامت‌یار باشند یا درآمدی کمتر از ۱۸۵٪ از خط فقر داشته باشند می‌توانند از این برنامه استفاده کنند. در سال ۲۰۱۴، این برنامه به ۸ میلیون نفر خدمت می‌داد و حدود ۶,۳ میلیارد دلار بودجه داشت.

برنامه‌های مختلف صبحانه و ناهار مدرسه نیز از این جنس هستند. طی این برنامه‌ها به کودکان مدرسه‌ای غذای ارزان یا رایگان داده می‌شود تا کودک بتواند تغذیه مناسب، مطابق با استانداردهای ارزش غذایی ملی داشته باشد. کودکان زیر ۱۳۰ درصد از خط فقر غذای رایگان دریافت می‌کنند و

1. Special Supplemental Nutrition Program for Women, Infants and Children

کودکان بین ۱۳۵ تا ۱۸۰ درصد از خط فقر نیز حداکثر ۰,۴ دلار برای هر وعده می‌پردازند. در سال ۲۰۱۴، روزانه ۲۱,۷ میلیون ناهار یارانه‌ای و ۱۱,۵ میلیون صبحانه یارانه‌ای توزیع شدند که در مجموع هزینه ۱۵ میلیارد دلار را به همراه داشت.

۴. بررسی تفصیلی یارانه‌های بازار کار^۱

همان‌طور که در بخش گذشته مشاهده شد، آمریکا همه یارانه‌های شبه‌نقدی متداول مورد استفاده در جهان را ارائه می‌دهد. با این وجود برنامه‌های فعال بازار کار^۲ در این کشور عمق چندانی ندارد، از سوی دیگر در میان انواع متداول یارانه شبه‌نقدی، یارانه‌های مربوط به بازار کار در کشور ایران نیز کمتر مورد توجه است. لذا در این بخش، تجارب جهانی در مورد این نوع یارانه بررسی می‌شود. به بیان دیگر، این نوع یارانه بیشتر از سایر یارانه‌های معرفی شده حائز اهمیت نیست، بلکه فقط در ایران کمتر شناخته شده است. منظور از برنامه‌های فعال بازار کار، برنامه‌هایی است که موجب بهبود وضعیت اشتغال می‌شوند، مثلاً آموزش شغلی یا کمک در کاریابی. به‌طور کلی این برنامه‌ها بر مبنای هدفشان به پنج دسته تقسیم می‌شوند:

۴-۱. ایجاد انگیزه نگه داشتن نیروی کار برای کارفرما (یارانه دستمزد - برنامه کار اشتراکی)
 یارانه‌هایی که به قصد ایجاد انگیزه در کارفرما برای نگهداشتن نیروی کار ارائه می‌شوند، بر دو نوع است:
 ۱. یارانه به کارفرما روی دستمزد کارگر: یعنی دولت برای بهبود شرایط یک بنگاه بخشی از دستمزد کارکنان آن را متقبل شود، طبق مطالعات انجام شده (براون و کوتل، ۲۰۱۲)^۳ این یارانه برای افزایش اشتغال ناکارآمد است، چون از یک‌سو باعث ایجاد فشار برای افزایش دستمزد می‌شود (دستمزدی بیشتر از دستمزد یارانه‌ای به برخی کارگران می‌دهد و بدین‌طریق در کل بازار کار اثر می‌گذارد) و از سوی دیگر انگیزه‌ای برای نگهداشتن کارگر پس از پایان یارانه در کارفرما ایجاد نمی‌کند، ماندن کارگر در یک شغل با دخالت دولت بدین‌شکل نیز به یاد نگرفتن توانمندی‌های جدید و دورتر شدن از سطح کیفی لازم برای فعالیت در بازار کار منجر می‌شود. به بیان دیگر، شغلی که تنها با دخالت دولت باقی بماند به احتمال زیاد مشکل داشته و کارگر با ماندن در آن مهارت‌های لازم برای یک شغل جدید را کسب نمی‌کند. لذا این یارانه مقداری رفاه از دست رفته^۴ ایجاد می‌کند، بنابراین ارائه این یارانه مفید نیست و بیش از این بدان پرداخته نمی‌شود.

۱. منبع این بخش: Brown and Koettl, 2012

2. Active Labor Market Programs (ALMP)
 3. Brown and Koettl
 4. Deadweight Loss



۲. **برنامه کار اشتراکی:**^۱ یک نوع حمایت دولتی است که در آن، شرکتی که با مشکلات اقتصادی روبه‌رو است و قصد تعدیل نیرو دارد، به دولت مراجعه کرده و یک برنامه برای خروج از مشکلات ارائه می‌دهد اگر به تشخیص دولت این برنامه قابل اجرا باشد، در یک مدت محدود (مثلاً سی هفته) شرکت ساعات کار کارگران اصلی خود را (که قصد تعدیلشان را داشته) به تناسب کم می‌کند و در مقابل دولت بخشی از دستمزدشان را متقبل می‌شود تا درآمدها (چندان) کاهش نیابد. این کارگران نباید جزئی از تیم مدیریت اصلی باشند^۲ (این تیم باید با تمام قوا در حال تلاش برای احیای شرکت باشند). این برنامه‌ها، هنگامی که با آموزش شغلی در ساعات بیکاری کارگران ترکیب شوند، در مبارزه با بحران‌های اقتصادی مؤثر هستند، و به کارفرمایان این امکان را می‌دهند که نگرانی بابت از دست دادن نیروی کار باتجربه نداشته باشند.

۲-۴. **ایجاد انگیزه برای جذب کارگر جدید توسط کارفرما (یارانه استخدام، یارانه شغل خویش‌فرما)** در این یارانه، دولت مبلغی را به کارفرما می‌پردازد تا آن را صرف دستمزد نیروی جدید کند. همان‌طور که گفته شد، یارانه روی دستمزد کارگر حاضر در بنگاه نتایج اقتصادی مطلوبی نداشته است. در مقابل، یارانه بر دستمزد برای جذب نیروی کار بیشتر (که بدیهی است از نظر ماهیت رفتار دولت که پرداخت بخشی از دستمزد است، با یارانه بر دستمزد تفاوتی ندارد)، تأثیر بسیاری بر اشتغال در سطح کلان داشته است (به‌طور مثال در کشور سوئد، رجوع شود به براون و کوتل، ۲۰۱۲). البته در طراحی این یارانه باید آثار مثبت و منفی آن در نظر گرفته شود: آثار منفی آن مشابه یارانه بر دستمزد کارگران حاضر در بنگاه است و در بخش قبل برشمرده شد.

اثر مثبت این یارانه زمانی آشکار می‌شود که بر بیکاران بلندمدت و افراد غیرفعال در بازار کار متمرکز باشد چراکه با بازگشت آنها به کار، سرمایه انسانی این افراد زیاد می‌شود و حتی اگر مجدداً بیکار شوند احتمال یافتن شغل در آینده افزایش می‌یابد، به‌عنوان مثال یک فرد که به علت معلولیت سال‌هاست استخدام نشده بسیاری از توانایی‌های لازم برای حضور در بازار کار را ندارد (مانند توانایی کار کردن با رایانه و ...)، چنین فردی اگر یک دوره با کمک دولت استخدام شود این توانایی‌ها را کسب می‌کند و در ادامه به احتمال خیلی بیشتری می‌تواند به‌صورت مستقل شغل پیدا کند. برای چنین افرادی فایده افزایش سرمایه انسانی ناشی از یک دوره کار یارانه‌ای بیشتر از هرگونه ضرر ناشی از کار یارانه‌ای است. ازسوی دیگر، در صورتی که بیکاری در جامعه ادامه یافت، می‌توان به‌مرور مقدار یارانه را افزایش داد تا میزان اثرگذاری آن

1. Work-Sharing Agreement

۲. جزئیات بیان شده، متعلق به برنامه کار اشتراکی کاناداست. یک مثال دیگر از برنامه کار اشتراکی موفق متعلق به Kurzarbeit در آلمان است که قواعد کلی مشابه دارد، این برنامه در سال ۲۰۰۹، ۵٫۱ میلیارد یورو بودجه داشت و ۱٫۴ میلیون کارگر را تحت پوشش داشت (توجه شود که سال ۲۰۰۹ در میانه بحران مالی جهان بود). به گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، این برنامه ۵۰۰ هزار شغل را در این بازه نجات داد.

بیشتر شود. به بیان دیگر یارانه استخدام یک ابزار ضدچرخه‌ای مناسب برای بازار کار است. تعدادی از کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در پاسخ به بحران مالی سال ۲۰۰۸ از یارانه استخدام استفاده کردند. هدف این یارانه، کارگران محروم (بیکاران بلندمدت، معلولان و کارگران خیلی جوان یا مسن) در بازار کار بود. این کشورها به صورت موازی اقدام به کاهش هزینه‌های غیردستمزدی استخدام^۱ کردند. باید توجه داشت که این ابزارها به تنهایی کشور را از بحران اقتصادی (که منجر به افت تقاضا برای کار می‌شود) خارج نمی‌کنند، اما هنگامی که کشور حرکت به سمت خروج از بحران را آغاز کرد، این اقدام‌ها باعث تسهیل این حرکت (و افزایش تقاضا برای کارگران محروم) می‌شود. این یارانه در کنار تحریک اقتصاد کلان یک بعد ایجاد مساوات نیز دارد، یعنی صرف‌نظر از افزایشی که در اشتغال کل به وجود می‌آورد با بهبود شرایط استخدامی کارگران محروم، عدالت بیشتری در بازار کار ایجاد می‌کند.

یارانه استخدام جدید برای شروع شغل خویش‌فرما^۲ نیز وجود دارد. این یارانه‌ها مقادیر کوچک‌تری دارند، به افراد کمتری تعلق می‌گیرند و با ارائه مشاوره همراه هستند. در کنار هدف اصلی این یارانه که بازگرداندن افراد بیکار به بازار کار است، هدف دیگر، ایجاد مشاغل نوپا و ایجاد اشتغال مضاعف از این طریق است. مطالعاتی که روی دو برنامه یارانه خویش‌فرمایی در آلمان انجام شد نشان داد که این برنامه‌ها به افزایش قابل توجه درآمد افراد در افق پنج‌ساله و کاهش ۲۰ درصدی احتمال بیکاری آنها منجر می‌شود (براون و کوتل، ۲۰۱۲). این در حالی است که تنها ۳ درصد از جمعیت مشمول این یارانه بودند. نکته جالب دیگر این است که در این برنامه‌ها خدمات مشاوره‌ای اثرگذارتر از مبالغ پرداخت شده بودند. باید توجه شود که این یارانه نیز بیشترین فایده را برای کارگران محروم دارد چراکه ورود به بازار کار - برای هر مدتی که باشد - به طرز چشمگیری تطابق آنها با بازار کار را افزایش داده و به استخدام آسان‌تر در آینده منجر می‌شود.

۳-۴. ایجاد انگیزه برای کارجویی و ماندن در کار (برنامه‌های کار عمومی، یارانه مشروط به کار)
این یارانه‌ها، یا مزایای کار کردن را افزایش می‌دهند یا موجب افزایش ضرر کار نکردن می‌شوند. اولین یارانه‌ای که در این زمینه به ذهن می‌رسد، پرداخت مستقیم به کارگران است. این نوع یارانه به علت کاهش انگیزه فرد برای بهبود شرایط خود و نیز عدم توجه به افزایش ارزش فرد در بازار کار، چندان مفید نیست، اما در شرایط بحران و به صورت کوتاه‌مدت در کنار ابزارهای دیگر برای تحریک تقاضای کار می‌تواند مفید باشد.

1. Non-Wage Costs of Hiring

2. Self-Employment



یک ابزار قابل توجه دیگر در این دسته، برنامه‌های کار عمومی^۱ است، در این برنامه‌ها دولت در یک کارگاه با نیاز شدید به نیروی کار سرمایه‌گذاری می‌کند (معمولاً خروجی کارگاه نیز یک زیرساخت عمومی مانند راه، مرکز بهداشت، مدرسه‌سازی و ... است) و بدین ترتیب موجب تحریک تقاضا می‌شود. باید توجه داشت که این یارانه نیز در بلندمدت اثر معناداری ندارد و در ضمن افراد به راحتی توان خروج از این برنامه و پیدا کردن یک شغل مستقل از دولت را ندارند. اما در زمان بحران می‌توان از آن به عنوان یک محافظ^۲ موقت برای خانوارهای فقیر بهره‌جست. به طور خاص، اگر در کشور امکان افزایش ظرفیت محافظ‌های متداول (مانند انواع بیمه بیکاری، ناتوانی و ...) به سرعت وجود ندارد، این یارانه جایگزین مناسبی است.

در مقابل، ترکیب این یارانه با یارانه مشروط به کار^۳ نتایج مطلوبی داشته است، چراکه خروج از کار برای فرد ضرر بسیاری خواهد داشت. در این راستا می‌توان الزام به مشارکت در برنامه‌های کاریابی و آموزشی را نیز به این ترکیب اضافه کرد تا در طولانی‌مدت فرد بتواند از برنامه کار عمومی خارج شود. گفتنی است به طور کلی مشروط کردن یارانه - که فرد خود را مستحق آن می‌داند - به هر چیزی موجب ناراحتی افراد می‌شود. به طور مثال یارانه مشروط به کار در انگلستان به برده‌داری تشبیه شده است. می‌توان استدلال کرد که این یارانه بیشتر ذیل یارانه مشروط است. یارانه مشروط به صورت مفصل در یک گزارش مستقل بحث خواهد شد.

۴-۴. افزایش سرمایه انسانی (یارانه آموزش شغلی)

بیشترین هزینه دولت‌ها در زمینه برنامه‌های فعال بازار کار بر آموزش شغلی - به صورت حین کار یا خارج از آن - است. البته آموزش لزوماً نتیجه مثبت ندارد و لازم است به چند نکته توجه شود: اولاً، مسئولان این برنامه‌ها سعی می‌کنند فقط بیکاران مستعد را جذب کنند تا نرخ موفقیتشان افزایش یابد، ثانیاً، آموزش حین کار مؤثرتر از آموزش خارج از آن است و در صورت استفاده از آموزش خارج کار لازم است مباحث درسی با مباحث مورد نیاز در کار تطابق داشته باشد. در صورت رعایت این نکات، تحقیقات نشان می‌دهد که این برنامه‌ها با بازگرداندن بیکاران به کار، در بلندمدت به بهبود شرایط بازار کار منجر می‌شود.

۴-۵. بهبود جوسازی^۴ در بازار کار

منظور از جوسازی معرفی کارفرما به کارجوی مدنظرش است. این برنامه‌ها در کشورهای سازمان همکاری

1. Public Works Programs
2. Safety Net
3. Workfare
4. Matching

و توسعه اقتصادی به صورت گسترده استفاده می‌شوند و با هزینه کم موجب بهبود شرایط برای افراد بیکار شده و احتمال یافتن کار جدید و درآمد انتظاری آنها را افزایش می‌دهند. اثر مثبت این برنامه در دوران رکود بلافاصله مشخص است اما باید توجه داشت که این برنامه در بلندمدت اثر کمتری دارد.

جمع‌بندی و درس‌هایی برای ایران

مطابق جدول ۱ یارانه شبه‌نقدی در بیشتر کشورهای جهان بخش چشمگیری از سبد یارانه را تشکیل می‌دهد. سهم این نوع یارانه از کل یارانه پرداختی در سی سال گذشته به شدت افزایش یافته است. این یارانه انواع بسیار زیادی دارد و برای حل مشکلات بسیار متنوعی به کار می‌رود، اما نباید آن را در همه زمینه‌ها به کار برد. علل اصلی استفاده از یارانه شبه‌نقدی عبارتند از:

❖ مجبور کردن فرد به مصرف یک کالای خاص، درحالی‌که اگر بودجه بیشتری داشت لزوماً آن کالا را مصرف نمی‌کرد (مانند شیر یارانه‌ای در مدرسه).

❖ تفکیک فقرا از اغنیا با ارائه یارانه به شکل کالایی که فقط برای قشر خاصی جذاب است (مانند خانه‌های کوچک).

❖ سوق دادن فرد به سوی رفتارهای سازنده (مثلاً با ارائه آموزش یارانه‌ای فرد انگیزه می‌یابد که به تحصیل ادامه دهد. با این کار در بلندمدت استقلال مالی یافته و از یارانه بی‌نیاز خواهد شد).

❖ ایجاد تغییر در بازار یک کالا: مثلاً ارائه سبد کالا به‌مثابه ایجاد تقاضا برای کشاورزان است و موجب بهبود وضعیت آنها می‌شود یا ساخت منازل یارانه‌ای می‌تواند موجب کاهش قیمت مسکن در کل بازار شود.

❖ مدیریت شکست بازار: صفات ذاتی برخی بازارها باعث می‌شود که نتوانند به صورت کاملاً خصوصی به خوبی فعالیت کنند. بازار سلامت یک مثال برای این پدیده است، نیاز افراد به خدمات سلامت باعث می‌شود که به اجبار هر قیمتی را تحمل کنند و این زمینه سوءاستفاده بخش خصوصی را فراهم می‌کند. یک راه‌حل برای این معضل، ارائه خدمات سلامت از سوی دولت (به صورت یارانه شبه‌نقدی) است.

❖ وجود برخی مشکلات اجرایی در یارانه نقدی: در برخی شرایط ارائه یارانه نقدی ممکن است مشکل‌زا باشد، برای مثال در یک روستای دورافتاده پرداخت یارانه نقدی به یک عده می‌تواند باعث افزایش قیمت کالاها شود و این به افرادی که یارانه نمی‌گیرند ضرر می‌رساند.

درواقع، در صورتی که یکی از علت‌های بحث شده برقرار باشند، استفاده از این یارانه توصیه می‌شود و در غیر این صورت نباید از آن استفاده کرد چراکه نسبت به یارانه نقدی آفات اجرایی بیشتری دارد. برخی از این آفات عبارتند از: احتمال فساد، هزینه اجرایی و هزینه جلوگیری از فروش مجدد.

باید توجه داشت که یک نظام اجرایی کارا برای اجرای یارانه شبه‌نقدی ضروری است، در غیر این



صورت آفات مذکور می‌توانند اثر مفید برنامه را عملاً از بین ببرند. گزارش‌های متعددی در مورد اعطای یارانه کالایی به کشورهای آفریقایی از سوی سازمان‌های جهانی و سپس سوءاستفاده از این فرایند توسط توزیع‌کنندگان وجود دارد. یارانه نقدی، مخصوصاً با توجه به پیشرفت‌های صورت گرفته در فناوری اطلاعات بانکی، آفات خیلی کمتری دارد. بنابراین تصمیم به استفاده از یارانه شبه‌نقدی در کنار بررسی مزایا و معایب نظری، به بررسی توان اجرایی سازمان مربوط نیز نیاز دارد.

براساس نکات بیان شده در متن گزارش و بررسی تجربه ایالات متحده در خصوص یارانه‌های شبه‌نقدی، **آموزه‌هایی برای ایران قابل استخراج است** که در ادامه به اجمال ارائه می‌شود البته نکات پیش‌رو، توضیحات اولیه هستند و هر کدام از این بحث‌ها بالقوه نیاز به یک گزارش مجزا دارند. هدف از این بخش ارائه چارچوبی کلی برای کاربرد یارانه شبه‌نقدی در ایران است.

❖ ارائه یارانه شبه‌نقدی روی غذا می‌تواند گام مناسبی برای رفع فقر در ایران باشد. مزایای شمرده شده در بخش عملکرد برنامه «کمک غذایی مکمل» می‌توانند برای ایران نیز بسیار مفید باشند اما لازم است از درس‌های نظام کوپنی سابق ایران استفاده شود. در این نظام از یک‌سو فروش مجدد کوپن بسیار راحت بود و از سوی دیگر کالاهای کوپنی معمولاً کیفیت نامطلوبی داشتند. در صورت احیای این طرح در ایران، باید از ظرفیت‌های فناوری اطلاعات کشور استفاده شود تا فروش مجدد به حداقل برسد. همچنین می‌توان مانند برنامه کمک غذایی مکمل، به جای مشخص کردن اجناس خاص برای استفاده مضمولان یارانه، با تعداد زیادی خرده‌فروش مواد غذایی قرارداد منعقد شود و مضمولان یارانه محدود به خرید مواد غذایی از این فروشگاه‌ها شوند. در این صورت، افراد در انتخاب کیفیت اجناس مصرفی آزادی خواهند داشت. این نظام به جلوگیری از فساد در توزیع کالا نیز کمک می‌کند.

❖ یکی از معایب یارانه نقدی این است که می‌تواند در مکان‌های دورافتاده باعث ایجاد تورم محلی شود، به‌عنوان مثال اگر به ۵۰٪ از اهالی یک روستا یارانه نقدی پرداخت شود، قیمت لوازم زندگی در آن محل افزایش می‌یابد و افرادی که مشمول یارانه نیستند متضرر می‌شوند.

❖ در طراحی برنامه «کمک موقت به خانوار» یک تناقض وجود دارد: به قصد تشویق افراد به بازگشت به کار، حمایت‌ها به‌صورت حداکثر پنج‌ساله تعریف می‌شود. موقت بودن حمایت‌ها باعث می‌شود که افرادی که اصلاً توان بازگشت به کار ندارند (مانند معلولان) بعد از اتمام دوره دچار مشکل شوند. این دوگانه ممکن است در تعریف نظام حمایتی ایران نیز به‌وجود بیاید. به‌نظر می‌رسد آسان‌ترین روش برای حل این مشکل بهبود شناسایی افراد است، به‌نحوی که تفاوت میان افرادی که می‌توانند به کار بازگردند و افرادی که نمی‌توانند آشکار شود. در غیر این صورت باید مقداری خطا را از سوی سیستم پذیرفت تا از محروم ماندن فقرا واقعی جلوگیری شود.

❖ حمایت‌ها و یارانه‌های بازار کار در قالب دفاتر کاریابی و دانشگاه فنی و حرفه‌ای در ایران وجود

دارند، اما به نظر می‌رسد با کارایی ایدئال فاصله بسیاری دارند. این گونه حمایت‌ها می‌توانند با اجرای مناسب در کوتاه‌مدت و بلندمدت اثر بسزایی بر اشتغال داشته باشند. از سوی دیگر، همان‌طور که در تجربه آمریکا مطرح شد، هماهنگ کردن این حمایت‌ها با یارانه غذایی می‌تواند به غنای هر دو برنامه بیافزاید و راه را برای ورود مجدد افراد به بازار کار هموار سازد.

❖ یکی از آفات نظام آموزش شغلی (فنی و حرفه‌ای) این است که مسئولان برای بهبود آمار عملکردشان تنها هنرجویان مستعد را تعلیم دهند، یکی دیگر از آفات این است که محتوای آموزشی با نیاز بازار کار همخوانی نداشته باشد. به همین دلیل، آموزش حین اشتغال نسبت به آموزش خارج از آن برتری دارد.

❖ یارانه کار اشتراکی، یارانه مشروط به کار، یارانه برای جذب نیروی کار، یارانه شغل خویش‌فرما و یارانه مستقیم به افراد شاغل در شرایط خاص مفید هستند و می‌توانند برای استفاده در ایران مورد بررسی قرار گیرند.

❖ ترکیب برنامه کار عمومی با یارانه مشروط به کار، در کوتاه‌مدت می‌تواند اثر چشمگیری بر بازار کار داشته باشد و اثر منفی رکود را کاهش دهد. یارانه مشروط در یک گزارش جدا به صورت دقیق‌تر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

❖ بهبود خدمات کاریابی می‌تواند موجب افزایش اشتغال شود. خدمات دیگر مانند مشاوره به کارفرما در راستای جذب نیرو نیز می‌تواند مفید باشد.

❖ همان‌طور که در بخش مسکن بیان شد، یارانه شبه‌نقدی برای مسکن در آمریکا به دو صورت ساخت مسکن و پرداخت یارانه به افراد برای اجاره ملک خصوصی وجود دارد. دلیل روی آوردن به نوع دوم به علت شکل گرفتن محله‌های مسکن یارانه‌ای با کیفیت پایین زندگی و نرخ جرم بالا بود، که دولت را تشویق کرد مسکن یارانه‌ای را به صورت منازل غیرمتمرکز ارائه دهد تا مشکلات اجتماعی کمتری شکل گیرند. این مشکلات و راه‌حل انتخاب شده برای ایران نکات حائز اهمیت دارند.

❖ یارانه شبه‌نقد در برخی شرایط مطلوب‌تر از یارانه نقدی است، اما باید توجه کرد که به‌طور کلی آفات اجرایی بیشتری نسبت به یارانه نقدی دارد. برای مثال فساد از سوی مجری در یارانه شبه‌نقد آسان‌تر است: برداشتن بخشی از یارانه ۴۵ هزار تومانی عملاً ممکن نیست اما برداشتن یک مقدار روغن و مرغ یارانه‌ای آسان است. در مقابل، اگر یارانه شبه‌نقد به صورت کارت اعتباری اجرا شود این مشکلات از بین می‌روند. به همین دلیل باید به نحوه اجرای یارانه شبه‌نقدی توجه مضاعف شود.

پیوست: بررسی عمیق‌تر رابطه میان یارانه شبه‌نقدی و اشتغال

یکی از نگرانی‌های اصلی سیاستگذاران در مورد یارانه، کاهش انگیزه مضمحلان یارانه برای مشارکت در



بازار کار است. این نگرانی در مورد یارانه شبه‌نقدی نیز وجود دارد. در کوتاه‌مدت، دلایلی برای اثر مثبت و منفی یارانه شبه‌نقدی بر اشتغال وجود دارد. از یک‌سو، یارانه شبه‌نقدی موجب کم شدن عرضه کار می‌شود، مثلاً کسی که به تحصیل مشغول می‌شود کار نمی‌کند. انواع دیگر یارانه شبه‌نقدی نیز باعث ایجاد یک پله^۱ درآمدی می‌شود: فرد اگر بیش از مقدار مشخصی درآمد کسب کند، یارانه شبه‌نقدی را از دست خواهد داد و این یعنی یک ضرر قابل توجه به او وارد شده است، به نحوی که در مجموع افراد تصمیم می‌گیرند کمتر کار کنند تا درآمدشان به آن سطح نرسد. البته برخی برنامه‌ها (مانند برنامه کمک غذایی مکمل) با استفاده از کاهش تدریجی مقدار یارانه در زمان افزایش درآمد فرد، در راستای حل این مشکل قدم برداشته‌اند. در مقابل، برخی انواع یارانه شبه‌نقدی پله بزرگ‌تری درست می‌کنند، به عنوان مثال یارانه سلامت پله بزرگ‌تری نسبت به یارانه غذا ایجاد می‌کند، این موضوع در آمریکا که هزینه خدمات سلامت بسیار بالاست موجب می‌شود که افراد نسبت به خروج از برنامه سلامت‌یار حذر کنند چون مزایای آن بسیار بهتر از بیمه‌ای است که قشر ضعیف توان خرید آن را دارند.

از سوی دیگر، با انتخاب صحیح کالایی که به‌عنوان یارانه شبه‌نقدی به فرد ارائه می‌شود می‌توان اشتیاق او را به کار افزایش داد، به نحوی که به‌طور کلی اشتغال کشور و به تبع آن درآمد مالیاتی افزایش یابد.^۲ اگر اعطای یک یارانه شبه‌نقدی موجب شود که فرد بیشتر از سابق آن کالا را مصرف کند^۳ (یعنی علت استفاده از این یارانه همان نگاه پدران باشد)، این کالا می‌تواند موجب افزایش انگیزه برای کار شود. برای شهود بیشتر از یک‌سو باید توجه شود که در واقع به یک بیان، فرد این کالا را نمی‌خواسته پس طبعاً اثری که در انگیزه‌اش دارد با دریافت پول فرق دارد و از سوی دیگر، پژوهش‌های تجربی نشان می‌دهند که برخی کالاها اصطلاحاً برای استراحت‌جانشین هستند. به‌عنوان مثال در سریلانکا، دریافت یارانه به‌صورت نان موجب افزایش تمایل فرد به کار می‌شود (آلدرمن و ساهن، ۱۹۹۳)^۴، البته تعمیم این نوع نتیجه تجربی به کشورهای دیگر توصیه نمی‌شود. شهوداً نیز می‌توان دید فردی که غذای مناسب مصرف کرده است کمتر خسته می‌شود، یا به بیان دیگر فردی که غذای مناسب مصرف کرده است بیشتر می‌تواند کار کند.

به‌عنوان جمع‌بندی، برآیند این دو اثر به‌نحوی است که با مراجعه به مقالات مختلف می‌توان گفت در آمریکا یارانه شبه‌نقدی روی غذا در کوتاه‌مدت اثر زیادی بر عرضه نیروی کار نداشته است (چن و مفیث، ۲۰۱۸)^۵.

در بلندمدت، یارانه شبه‌نقدی به‌طور کلی موجب افزایش عرضه نیروی کار می‌شود.

❖ در مورد تحصیل، بدیهی است که در بلندمدت با تربیت کارگران ماهرتر، عرضه نیروی کار

1. Notch

۲. به بیان اقتصادی همیشه کالایی وجود دارد که برای استراحت‌جانشین هیکس باشد، یا به‌عبارت‌دیگر عرضه کار همیشه یک مکمل هیکس دارد. برای توضیح دقیق‌تر به (Gahvari, 1993) مراجعه شود.

۳. به‌عبارت‌دیگر، دولت کالا را Oversupply کند.

4. Alderman and Sahn, 1993

5. Chan and Moffitt

بهبود می‌یابد. به همین دلیل است که در همه کشورهای سازمان همکاری‌های اقتصادی نوعی یارانه شبه‌نقدی روی تحصیل ارائه می‌شود.

❖ تعمیم بیمه سلامت به کودکان بدون بیمه در آمریکا موجب افزایش معنادار سلامت آنها شد. چنین کودکانی در آینده وارد بازار کار خواهند شد، پس این کار به معنای افزایش عرضه کار نیز است.

❖ در آمریکا یارانه شبه‌نقدی بر غذا موجب بهبود سلامت نوزادان شده است و برنامه صبحانه مدارس، نمرات دانش‌آموزان را افزایش داده است. در اندونزی، دادن مکمل آهن به کارگران بالغ موجب افزایش قابل توجه درآمد آنها شده است. بنابراین می‌توان گفت یارانه شبه‌نقدی بر غذا موجب افزایش عرضه کار می‌شود.

منابع و مآخذ

1. Alderman, H. and Sahn, D.E. (1993). Substitution between Goods and Leisure in a Developing Country. *American Journal of Agricultural Economics*.
2. Brown, A.J.G. and Koettl, J. (2012). Active Labor Market Programs: How, Why, When, and to What Extent are they Effective. The World Bank.
3. Center on Budget and Policy Priorities (2019). The Supplemental Nutrition Assistance Program.
4. Center on Budget and Policy Priorities (2020a). Where Do Our Federal Tax Dollars Go.
5. Center on Budget and Policy Priorities (2020b). Temporary Assistance for Needy Families.
6. Chan, M.K., Moffitt, R. (2018). Welfare Reform and the Labor Market. *Annual Review of Economics*.
7. Currie, J. and Gahvari, F. (2008). Transfers in Cash and in Kind: Theory Meets the Data. *Journal of Economic Literature*.
8. Gahvari, F. (1993). In-kind Transfers, Cash Grants and Labor Supply, *Journal of Public Economics*.
9. Gruber, J. (2016). *Public Finance and Public Policy*. Worth Publishers.
10. Kandpal, E. (2019). Cash Transfer Programs Should Be Wary of Negative Spillover. World Bank.
11. Nygard, M., Lindberg, M., Nyqvist, F. Hartull, C. (2019). The Role of Cash Benefits and In-Kind Benefits for Child Poverty in Times of Austerity. *Social Indicators Research*, Springer.
12. Spasova, S. and Ward, T. (2019). Social Protection Expenditure and its Financing in Europe: A Study of National Policies. *European Social Policy Network*.
13. US Dep. of Health and Human Services (2019). Federal TANF and State MOE Expenditures Summary.



شماره مسلسل: ۱۷۷۳۶

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: بررسی سیاست‌های حمایتی: ۲. یارانه شبه‌نقدی، با توجه به نظام حمایتی آمریکا

نام معاونت: مطالعات بخش عمومی (گروه سیاست‌های حمایتی و مبارزه با فقر)

مدیر مطالعه: محمدسعید آقا محمدحسین تجریشی

تهیه و تدوین: مهدی شیخ زین‌الدین

ناظران علمی: داریوش ابوحمزه، هادی ترابی‌فر، سیدعلی روحانی

اظهار نظر کننده: شهاب‌الدین فولادی‌مقدم

واژه‌های کلیدی:

۱. یارانه
۲. سیاست حمایتی
۳. شبه‌نقدی
۴. معیشت
۵. بازار کار
۶. آمریکا



تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۶/۶